

سیری در نقدهای منتشر شده «مسئله حجاب»

واکنش‌ها به «مسئله حجاب» - ۳



محسن کدیور

۱ شهریور ۱۴۰۲

خلاصه قسمت دوم:

محمدتقی شریعتمداری (۱۳۱۳-۱۴۰۰) به مدت دوازده سال شاخص‌ترین شاگرد مرتضی مطهری در مدرسه مروی تهران بوده است. او تقریر درس شرح منظومه سبزواری استادش را به عربی به رشته تحریر درآورده و مورد تأیید استاد قرار گرفته است. تدوین سه کتاب مسئله حجاب، عدل الهی، و مسئله ربا زیر نظر استاد توسط وی صورت گرفته و در مقدمه دو کتاب نخست به شکل فاخری از وی تشکر شده است.

شریعتمداری حوالی سی و هفت سالگی فلسفه را مخالف موازین کتاب و سنت می‌یابد و باقی‌مانده عمر را مصروف علوم نقلی می‌نماید. بر کتاب مسئله حجاب نقدی تند می‌نویسد، و با استاد خود قطع رابطه می‌کند. در زمان وفاتش مراجع تقلید نجف و قم پیام تسلیت دادند.

تقریرات شرح منظومه شریعتمداری داستانی تلخ و پرفراز و فرود دارد. در سال ۱۳۸۳ وی جلد اول تقریرات را با مقدمه و حواشی انتقادی ضدفلسفی در قم منتشر می‌کند.

انتشارات حکمت دو سال بعد در تهران، جلد اول تقریرات را بدون اسم مقرر، همراه با مقدمه‌ای در انتقاد از وی به قلم ناشر منتشر کرد. شریعتمداری به نقد حسین غفاری مختصراً پاسخ می‌دهد که بعد از وفاتش منتشر می‌شود. غفاری در گفتگو با نگارنده به نقد شریعتمداری پاسخ داده است.

در غالب موارد حق با غفاری است، اما ذکر نام مقرر در تقریرات منتشرشده لازم بوده است.

شریعتمداری می‌توانست طی دو دهه آخر عمرش با فراغ بال به نقد اساس فلسفه بپردازد. اما حواشی او بر تقریرات شرح منظومه برای نقض مبانی فلسفه به هیچ وجه وافی به مقصود نیست.

دو اتفاق حوالی سال‌های ۱۳۵۰-۱۳۵۱ می‌تواند در تغییر موضع شریعتمداری دخیل بوده باشد: یکی فشار جریان سنتی خصوصاً ولایتی بر مطهری به دلیل کتاب مسئله حجاب، و دیگری تحول فکری شریعتمداری به سوی إعراض از فلسفه. به نظر می‌رسد این دو شریعتمداری را به قطع رابطه با استادش و نقد کتاب مسئله حجاب کشانیده است.

ملاقات شریعتمداری با یک فرد ربانی عامی عادی جرعه تحول روحی در وی می‌شود که محصول آن اهتمام بیشتر در عبادت و ریاضت است.

اوبعد از مدت‌ها بحث با سید محمد سعادت مصطفوی، فیلسوف مشائی و منتقد حکمت متعالیه، با فلسفه به معنای مطلق وداع می‌کند و به یک «اخباری معتدل تمام عیار» تبدیل می‌شود، از سنخ محمدباقر مجلسی. شریعتمداری

استنتاجات مجلسی را بر تحقیقات فلسفی ملاصدرا مقدم می‌دارد. عبدالکریم سروش در دوران دانشجویی در دههٔ چهل نزد شریعتمداری فلسفه خوانده است. به روایت وی: «بسیاری از مسائلی که برایم ایجاد شد و مرا به سوی فلسفهٔ علم کشاند، حاصل این درس بوده است.»^۱

کتاب مسئلهٔ حجاب مرتضی مطهری که در سال ۱۳۴۷ منتشر شد و ویرایش چهارم آن در سال ۱۳۵۳ انتشار یافت، یکی از پنج کتاب تأثیرگذار مذهبی ایران در عصر خود بوده است.^۲ کتاب مسئلهٔ حجاب با استقبال نوگرایان مذهبی و مسلمانان انقلابی مواجه شد. اما مسلمانان سنتی آن را نپسندیدند و به نقد آن پرداختند. ولایتی‌ها هم در تخریب نویسنده و کتاب کم نگذاشتند. بخش سوم تحقیق - قسمت پیش رو - بررسی نقدهای منتشرشدهٔ کتاب مسئلهٔ حجاب توسط روحانیون سنتی است.

نویسندگان این کتاب‌ها در سه پیام اصلی کتاب مطهری مناقشه دارند؛ یعنی اولاً پوشاندن صورت زن را واجب (یا احتیاط واجب) می‌دانند، ثانیاً نگاه مرد نامحرم، حتی بدون تلذذ و ریبه، را به صورت زن جایز نمی‌دانند، ثالثاً حضور زن خارج از خانه، حتی با پوشش شرعی، را در غیرضرورت مجاز نمی‌دانند. تفسیر آن‌ها از آیات و روایات در مورد حقوق زن، خصوصاً بحث ستر و نظر (پوشش و نگاه)، بسیار منقبض و سخت‌گیرانه است. از نگاه آنان این دو مسئله در طول زمان هیچ تغییری نکرده است و احکام فقهی سلف صالح عیناً در زمان ما نیز جاری است. آن‌ها در بین این فتاوا هم فتاوی فقهایی از قبیل محقق اردبیلی (متوفی ۹۹۳ ق)، شیخ مرتضی انصاری (۱۲۸۱-۱۲۱۴ ق) و سید محسن حکیم (۱۳۹۰-۱۳۰۶ ق) که در فقه‌تشان تردیدی نیست و در بحث ستر و نظر رأی منبسطتری دارند، را نیز برنمی‌تابند. مطهری کوشیده است که با بازخوانی آیات، روایات و فتاوی فقهی، قدمی در احقاق حقوق زنان به پیش بردارد و فعالیت و تحصیل زنان خارج از خانه را با پوششی متناسب با موازین شرعی ممکن سازد.

مطهری در کتاب مسئلهٔ حجاب پا را از اجتهاد در فروع فقهی فراتر نگذاشته است. اما جریان محافظه‌کار سنتی در امر پوشش زنان بسیار متصلب است و همین اندازه اجتهاد در فروع را نیز روا ندیده است. لحن غالب این نقدها در بسیاری مواضع از یک نقد فقهی رایج فراتر رفته، نویسندهٔ کتاب مسئلهٔ حجاب به شدت شماتت شده است. برخلاف کتاب پرتیراژ مسئلهٔ حجاب، کلیهٔ نقدهای منتشرشده کم‌تیراژ بوده‌اند و مورد اقبال خوانندگان و کتاب‌خوان‌ها قرار نگرفته‌اند. این کتب نقد با ادبیات فارسی روانی نوشته نشده‌اند، نویسندگان در تنظیم مطالبشان سلیقه به خرج نداده‌اند، لحن خشمگین آن‌ها و قلم گاه متهتک آن‌ها به خواننده لگد می‌زند؛ با این همه اگر صبورانه این کتاب‌های انتقادی را از نظر بگذرانیم، گاه در آن‌ها نقد وارد هم یافت می‌شود و این‌گونه نیست که همهٔ نقدها بدون استثنا ناوارد باشند. هرچند نقد وارد در هر کتاب مسلماً در اکثریت نیست. در حد مقدور نقدهای وارد یا نقدهایی که تأمل می‌طلبد را برجسته کرده‌ام.

^۱ محمدتقی شریعتمداری و استاد مطهری (۲۶ مرداد ۱۴۰۲).

^۲ چهار کتاب دیگر: غرب‌زدگی جلال آل احمد (۱۳۴۱)، حکومت اسلامی - ولایت فقیه آقای خمینی (۱۳۴۸)، شهید جاوید نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی (۱۳۴۹)، و تشیع علوی - تشیع صفوی علی شریعتی (۱۳۵۱) بودند.

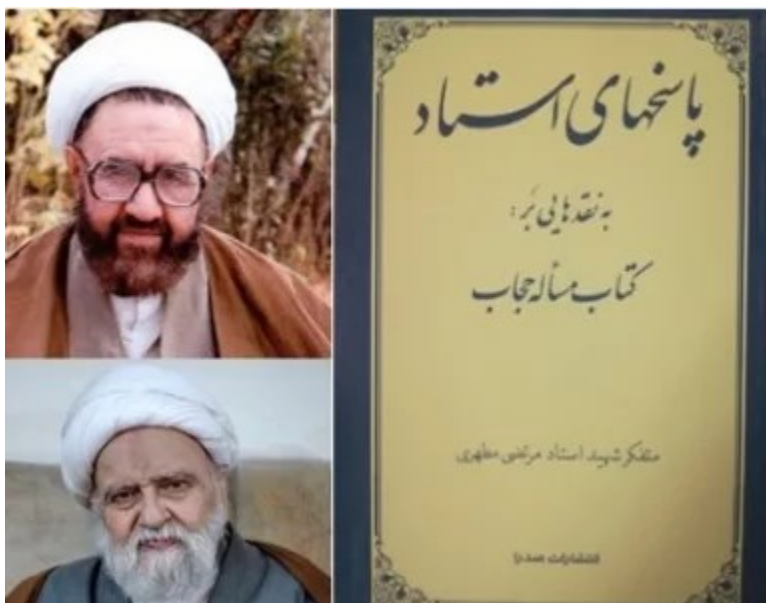
این شش کتاب نماینده تفکر مسلط در حوزه علمیه یا تبلور تفکر سنتی یا اندیشه محافظه کار مذهبی است. باید آن را شناخت و تفاوتش را با جریان اسلام انقلابی شیعی (معادل جریان بنیادگرای سنی) از یاد نبرد. این تفکر عرف عصر نزول و فتوای گذشتگان را مُرّ اسلام می‌داند. با آن‌ها باید با زبانی که می‌فهمند و باور دارند وارد گفتگو شد و آن‌ها را به این نتیجه رساند که اگر دل در گرو تعالی اسلام و احترام کتاب و سنت هم دارند، باید امکان فهم متفاوت از متون دینی را به رسمیت بشناسند و حفظ ظواهر را بر روح قرآن و لبّ اسلام مقدم نکنند و دست از قداست عرف عصر نزول و فهم صحابه پیامبر و اصحاب ائمه بردارند.

از این شش نقد سهم بیشتری به بررسی نقد محمدتقی شریعتمداری داده‌ام، نه از آن رو که نقدش مهم‌تر است؛ صرفاً به این دلیل که تنها نقدی است که توسط مؤلف پاسخ گرفته است و مقایسه نقد و پاسخ مؤلف البته اهمیت دارد. سهم دوم در بررسی به نقدهای سه‌گانه محمدتقی صدیقین اصفهانی تعلق دارد. ویرایش نخست تفسیر آیه جلاباب به دست مؤلف رسیده و باعث اضافه شدن بحث آیه جلاباب به متن کتاب شده است. ویرایش دوم تفسیر آیه جلاباب و کتاب دین و زن دو سه دهه بعد از درگذشت مؤلف مسئله حجاب نوشته و منتشر شده‌اند. از میان این شش نقد، جدی‌ترینشان نقد محمدتقی صدیقین و تا حدودی نقد ابوالقاسم اشتیاردی. مرادم این است که در کار این دو نفر نقدهای وارد یا قابل تأمل بیشتری یافت می‌شود، در عین این‌که لحن هر دو^۳ متأسفانه مشکل دارد. بعید می‌دانم پنج منتقد نخست از نقدهای یکدیگر اطلاعی داشته باشند اما عدم اطلاع منتقد ششم که جوان‌ترینشان هم هست و چندین دهه بعد هم نقدش را منتشر کرده از نقدهای قبلی بعید است.

در هر حال، این بخش از سه فصل و یک خاتمه به شرح ذیل تشکیل شده است: مروری بر نقد شریعتمداری و پاسخ‌های استاد، بررسی تفسیر آیه جلاباب و دین و زن صدیقین، بررسی نقدهای ضیاءآبادی، محسنی گرکانی، اشتیاردی و شریعتی. هر فصل شامل چند بحث است، مجموعاً یازده بحث با شماره مسلسل. در بررسی‌های این نقدها این نکات مدّ نظر است: معرفی اجمالی منتقد، معرفی نقد، نمونه‌هایی از نقد، نقد بر کدام ویرایش کتاب صورت گرفته است؟ آیا شاهدهی بر اطلاع مطهری از نقدهای مورد بحث در دست است؟ به دلیل این‌که بخش دوم در بست به شریعتمداری اختصاص داشت، در این بخش متعرض معرفی او نشده‌ام. اما پنج منتقد دیگر نخست به اختصار معرفی شده‌اند. در غیر نقد شریعتمداری - به دلیلی که گذشت - بنا بر نهایت اختصار است. خاتمه بخش تقسیم‌بندی چهارگانه نقدها و معرفی نقدهای فقهی وارد به مسئله حجاب است.

^۳ صدیقین فقط در کتاب دین و زن. لحن وی در کتاب تفسیر آیه جلاباب، خصوصاً ویرایش نخست آن، محترمانه است.

فصل اول. مروری بر نقد شریعتمداری و پاسخ‌های استاد



این فصل (طولانی‌ترین فصل این بخش) بررسی تطبیقی نقد محمدتقی شریعتمداری بر کتاب مسئله حجاب و پاسخ‌های مؤلف به منتقد است، و شامل یک مقدمه و چهار بحث به شرح ذیل است: مناقشات فقهی، مناقشات مصلحت‌اندیشانه، مناقشات انگیزه‌خوانی و جرح مؤلف، و نقد شریعتمداری بر مسئله حجاب از منظری دیگر.

مقدمه

شریعتمداری قطعاً و یقیناً راضی به انتشار علنی نقدهایش بر کتاب مسئله حجاب نبوده است. این‌ها نقد خصوصی شاگرد برای استادش بوده است. اگر قصد انتشار عمومی داشت، مطمئناً لحن و زبان دیگری انتخاب می‌کرد.^۴ انتشارات صدرا یا بنیاد علمی و فرهنگی استاد شهید مرتضی مطهری یا شورای نظارت بر نشر آثار استاد شهید مرتضی مطهری چگونه این نقدها را بدون اجازه صاحب آن‌ها منتشر کرده‌اند؟! همان‌گونه که گذشت، شریعتمداری در نقد مقدمه غفاری بر تقریرات شرح منظومه تصریح کرده بود: "همان‌طوری که در کتاب مسئله حجاب عمل فرمود. وقتی بنده گفتم نمی‌خواهم اسم بنده در مقدمه باشد، در چاپ‌های بعد حذف فرمود". استاد مطهری مقید به رعایت موازین اخلاقی بود. ناگفته نماند که برخی از این نقدها حتی اگر خصوصی هم فرض شود، اخلاقاً قابل دفاع نیستند.

نقد شریعتمداری بر ویرایش دوم (چاپ سوم) کتاب مسئله حجاب (۱۳۴۹) بوده است. اسم او در مقدمه ویرایش اول و دوم کتاب (چاپ‌های ۱۳۴۷ تا ۱۳۴۹) بوده و از ویرایش چهارم (حداقل از ۱۳۵۳ به بعد) آن قسمت از

^۴ یکی از نوادگان شریعتمداری (مایل به ذکر اسمش نیست): «پدربزرگم از این‌که حواشی‌اش بر کتاب مسئله حجاب را [فرزندان و] شاگردان [استاد] مطهری چاپ کرده‌اند بسیار ناراحت بود و می‌گفت: ادبیات و محتوای آن به گونه‌ای نبود که قابل انتشار عمومی باشد.»

مقدمه به درخواست شریعتمداری توسط خود استاد مطهری حذف شده است. عبارات مطهری در مقدمه دو ویرایش نخست تعیین کننده است، که در بخش‌های اول و دوم گذشت.

شریعتمداری ایرادهای خود را در حاشیه کتاب مسئله حجابی که استادش به او هبه کرده بود، نگاشته بود. زمان نگارش نقدهای خصوصی شریعتمداری بر ویرایش دوم کتاب (چاپ سوم) مسئله حجاب اواخر سال ۱۳۴۹ و به احتمال قوی‌تر اوایل سال ۱۳۵۰ بوده است. استاد مطهری نیز در حاشیه همان نسخه به شاگرد منتقد خود پاسخ داده است. زمان پاسخ استاد مطهری به شاگردش باید سال ۱۳۵۰ قبل از انتشار چاپ چهارم کتاب باشد. در هر حال، در متن پاسخ‌های استاد مطهری به شریعتمداری کلمه‌ای در مورد اعراض وی از فلسفه مشاهده نمی‌شود. قضیه اعراض از فلسفه باید بعد از این پاسخ‌ها، حوالی سال ۱۳۵۱ صورت گرفته باشد. بحث را از خاتمه پاسخ‌های مطهری که حاوی دسته‌بندی وی از نقدهای شاگردش است، شروع می‌کنم:

«چنین فکر می‌کنم که این نسخه را من به شما هبه کرده‌ام، لہذا به هبه خودم رجوع می‌کنم. کتاب را پس از مطالعه برگردانید. آنچه بر این کتاب ایراد گرفته شده است، سه نوع است: [۱] یک نوع مناقشه مطلب است از نظر فقهی؛ من در این مناقشات هیچ چیز جالب توجهی نیافتم. مطلب در حدودی که در این کتاب گفته شده است، در مسئله «ستر» اجماع عموم مسلمین است، و در مسئله «نظر» که در این کتاب نیز چندان تجزم نشده است، فتوای اکثریت فقها است، و در مسئله «حریم» هم اجماعی است. آنچه مخالف با محتوای این کتاب است، سیره جاریه مسلمین برخی از نقاط است در عصرهای اخیر، که بر خلاف سیره قطعیه سلف است. [۲] نوع دیگر از نوع مصلحت‌اندیشی است که کتمان، اصلح از اظهار است؛ و چنین مصلحت‌اندیشی‌ها را فقط افرادی می‌کنند که از جریان اجتماع بی‌خبرند و شعاع دیدشان چه از نظر مکان و چه از نظر زمان محدود است. [۳] نوع سوم نسبت‌هایی است که به نویسنده داده شده است؛ و رسیدن به این حساب با خدای رب العالمین و احکم الحاکمین است.»^۵

استاد مطهری از ایرادهای شریعتمداری به شدت آزرده شده است. او هرگز از سرآمد شاگردانش در مدرسه مروی انتظار نداشته چنین نسبت‌هایی را بشنود. آزدگی خاطر او به خاطر ایرادهای دسته سوم است، و به نظر می‌رسد حق با استاد است و شاگرد حقیقتاً اسائه ادب کرده است. مطهری برخی ایرادهای دسته اول و دوم را در ویرایش چهارم کتاب اعمال کرده است تا کتاب کمتر با حساسیت قشر سنتی مواجه شود؛ هرچند با آنها موافق هم نبوده است.^۶

بحث اول. مناقشات فقهی

در ایرادهای دسته اول، یعنی مناقشات فقهی، به هفت نمونه اکتفا می‌کنم. این دسته از آن رو مهم است که صف‌آرایی دو تفکر متضاد فقهی را به نمایش می‌گذارد.

نمونه اول. مطهری در مسئله حجاب نوشته است: «اطلاع من از جنبه تاریخی کامل نیست. اطلاع تاریخی ما

^۵ مرتضی مطهری، پاسخ‌های استاد به نقدهایی بر کتاب مسئله حجاب، ص ۸۳؛ مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۶۲۴.

^۶ به عنوان مثال، مطهری تعبیر «کتب شیعه» را بعد از مناقشه شریعتمداری به «کتب حدیث» تبدیل کرد. (مطهری، پاسخ‌های استاد به نقدهایی بر کتاب مسئله حجاب، ص ۷۱)

آن‌گاه کامل است که بتوانیم درباره همه مللی که قبل از اسلام بوده‌اند اظهار نظر کنیم. قدر مسلم این است که قبل از اسلام در میان بعضی ملل حجاب وجود داشته است.^۷ شریعتمداری این‌گونه اشکال کرده است: «حقیقت این است که بحث‌های تاریخی در این‌گونه مسائل بر پایه‌های محکمی استوار نیست، زیرا معمولاً مورخین در این‌گونه مسائل حدسیات خودشان را نیز مخلوط کرده‌اند، و لهذا این بحث‌ها علاوه بر این‌که چندان ارزشی ندارد، براساسی استوار هم قرار ندارد.» مطهری این‌گونه پاسخ داده است: «عدم توجه به جریان‌های تاریخی از ارزش استدلالی بعدی می‌کاهد و قضاوت‌ها ناشی از بی‌خبری تلقی می‌شود. تاریخ آن‌چنان هم بی‌اعتبار نیست.»^۸ دو تلقی متضاد درباره اعتبار «نگاه تاریخی» که تأثیر جدی در استنباط فقهی دارد.

نمونه دوم. مطهری در مسئله حجاب نوشته است: «کافی تألیف محمد بن یعقوب کلینی ... برای روایات نهی از تبتل و اختصا (رهبانیت و خود را اخته کردن) رجوع شود به صحیح بخاری، ... و صحیح مسلم، ... و جامع ترمذی ...»^۹ شریعتمداری این‌گونه اشکال کرده است: «با وجود کتب خودمان از مراجعه به کتب سنی‌ها مستغنی هستیم. بلی، استناد به آن کتب در مسائل امامت به‌جاست زیرا از باب اخذ مدرک از خصم است، ولی در فقه و تفسیر و اخلاق از کتب آن‌ها مستغنی هستیم.» مطهری این‌گونه پاسخ داده است: «کسانی که در مکتب مرحوم آیه‌الله [سید حسین] بروجردی پرورش یافته‌اند می‌دانند که مراجعه به کتب اهل سنت برای فهم و درک و تأیید مثبت یا منفی احادیث ما فوق‌العاده مفید بلکه لازم است. ایشان می‌فرمودند: از وقتی که عده‌ای پیدا شدند و فقه و حدیث ما را که در جوی پیدا شده که فقه و حدیث آن‌ها به هر حال وجود داشته جدا کردند، فقه را منحرف کردند. به علاوه در باب حجیت خبر واحد، آن‌چه مناط است و ثوق است نه مذهب. روایت سنی لااقل مؤید می‌تواند باشد. به علاوه سیره اصحاب در فقه و تفسیر همیشه بر همین بوده است. کتب شیخ [طوسی] و علامه [حلی] پر است از نقل اقوال فقهی اهل سنت. تفسیر مجمع البیان بیشتر. نقل اقوال آن‌ها و احادیث آن‌هاست و کمتر حدیث شیعه است. تفسیر المیزان در همه جا روایات اهل سنت را ذکر می‌کند و اخیراً هم مجمع البیان و هم المیزان به فارسی ترجمه و چاپ و منتشر می‌شوند.»^{۱۰} شیوه مواجهه با روایات و فتاوی اهل سنت دومین تفاوت بنیادی شاگرد و استاد است که بر استنباط فقهی آن‌ها تأثیر غیر قابل انکار می‌گذارد.

نمونه سوم. مطهری در مسئله حجاب نوشته است: «استعمال کلمه "حجاب" در مورد پوشش زن یک اصطلاح نسبتاً جدید است. در قدیم و مخصوصاً در اصطلاح فقها کلمه "ستر" که به معنی پوشش است به کار رفته است. فقها چه در کتاب الصلوة و چه در کتاب النکاح که متعرض این مطلب شده‌اند کلمه "ستر" را به کار برده‌اند نه کلمه "حجاب" را. بهتر این بود که این کلمه عوض نمی‌شد و ما همیشه همان کلمه "پوشش" را به کار می‌بردیم، زیرا چنان‌که گفتیم معنی شایع لغت "حجاب" پرده است و اگر در مورد پوشش به کار برده می‌شود به اعتبار

^۷ مطهری، مسئله حجاب، ص ۱۹؛ مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۳۸۵.

^۸ مطهری، پاسخ‌های استاد به نقدهایی بر کتاب مسئله حجاب، ص ۱۰-۹؛ مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۵۷۱.

^۹ مطهری، مسئله حجاب، ص ۳۹؛ مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۴۰۱.

^{۱۰} مطهری، پاسخ‌های استاد به نقدهایی بر کتاب مسئله حجاب، ص ۱۶-۱۵؛ مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۵۷۶-۵۷۵.

پشت پرده واقع شدن زن است و همین امر موجب شده که عده زیادی گمان کنند که اسلام خواسته است زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود.^{۱۱} شریعتمداری این گونه اشکال کرده است: «این فصل کتاب نوعی تشویق به ورود زن در میان اجتماع مردان است و مسلماً چنین چیزی از نظر اسلام ممدوح نمی‌باشد و گمانم این است که خود استاد مؤلف هم بعد از این تصریح می‌کند که جدا ساختن محیط زن از مرد در اسلام ممدوح است».

مطهری این گونه پاسخ داده است: «پاسخ تشویق نیست، عدم منع است، و آنچه در فصل‌های آخر کتاب گفته شده است و همواره مورد تأیید است "حریم است نه پرده‌نشینی". رسول اکرم اجازه شرکت در مساجد و احیاناً در تشییع جنازه و بالاتر حضور در میدان جنگ را می‌داد و در عین حال مانع اختلاط بود. می‌گفت زنان و مردان با یکدیگر و در حال اختلاط از یک در خارج نشوند و حتی در کوچه و خیابان خط ممر مردان از خط ممر زنان جدا باشد؛ صلی الله علیه وآله که چقدر او بزرگ و عظیم و معتدل بود، و چقدر ما کوچک و حقیر و مفرط یا مفرط هستیم»^{۱۲} تفاوت حضور اجتماعی زن با رعایت حریم و عدم اختلاط با پرده‌نشینی چندین بار در پاسخ‌های استاد به شاگرد مستشکل تکرار شده است. این تفاوت، فرق بزرگی بین شاگرد و استاد است.

نمونه چهارم. مطهری در مسئله حجاب نوشته است: «می‌دانیم که در قرآن کریم درباره زنان پیغمبر دستورهای خاصی وارد شده است. اولین آیه خطاب به زنان پیغمبر با این جمله آغاز می‌شود: یا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ (احزاب: ۳۲) یعنی شما با سایر زنان فرق دارید. اسلام عنایت خاصی داشته است که زنان پیغمبر، چه در زمان حیات آن حضرت و چه بعد از وفات ایشان، در خانه‌های خود بمانند، و در این جهت بیشتر منظورهای اجتماعی و سیاسی در کار بوده است. قرآن کریم صریحاً به زنان پیغمبر می‌گوید: وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ (احزاب: ۳۳) یعنی در خانه‌های خود بمانید. اسلام می‌خواسته است "امهات المؤمنین" که خواه ناخواه احترام زیادی در میان مسلمانان داشتند، از احترام خود سوء استفاده نکنند و احیاناً ابزار عناصر خودخواه و ماجراجو در مسائل سیاسی و اجتماعی واقع نشوند. و چنان که می‌دانیم یکی از امهات المؤمنین (عایشه) که از این دستور تخلف کرد ماجراهای سیاسی ناگواری برای جهان اسلام به وجود آورد.^{۱۳} خود او همیشه اظهار تأسف می‌کرد و می‌گفت دوست داشتم فرزندان زیادی از پیغمبر می‌داشتم و می‌مردند، اما به چنین ماجرابی دست نمی‌زدم»^{۱۴}

شریعتمداری این گونه اشکال کرده است: «دستورهای سورة احزاب دستورهای خاص نیست و ملاک آن‌ها هم این نبوده است که از وجهه آن‌ها سوء استفاده نشود. تخصیص زنان پیغمبر به این دستورها از باب عنایت بیشتر است نه از باب این که حکم خاص آن‌ها بوده است. مثلاً می‌فرماید: یا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ انِ اتَّقِيْنَ فَلَآ تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ. (احزاب: ۳۲) نباید گفت که خضوع در قول برای زنان دیگر مذموم

^{۱۱} مطهری، مسئله حجاب، ص ۷۳؛ مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۴۳۰.

^{۱۲} مطهری، پاسخ‌های استاد به نقدهایی بر کتاب مسئله حجاب، ص ۲۵؛ مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۵۸۲.

^{۱۳} مراجعه کنید به موسوعه الشیخ المفید، ج ۱: الجمل والنصره لسید العتره فی حرب البصره، تحقیق السید علی میرشریفی، قم: دار المفید، ۱۳۸۹.

^{۱۴} مطهری، مسئله حجاب، ص ۷۴؛ مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۴۳۱.

نبوده است، بلکه باید گفت که این امر در مورد زنان پیغمبر اکرم (ص) مذموم‌تر است. و هم‌چنین می‌فرماید: وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكِنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى. (احزاب: ۳۳) واضح است که تبرج برای همه زنان مذموم بوده است، لهذا به جاهلیت اولی اسناد داده شده است؛ پس همه زنان باید در خانه قرار بگیرند. و همچنین وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ (احزاب: ۳۳) همه از احکام عامه است. همچنین در آیه حجاب که می‌فرماید: وَأَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ (احزاب: ۵۳) از جمله بعدش که می‌فرماید: ذَلِكَ لِمَ أَطَهَّرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ معلوم می‌شود که حکم عام است برای همه زنان و مردان مؤمن.

مطهری این‌گونه پاسخ داده است: «اشتباه عجیبی است! ما که نگفته‌ایم در آیه «وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ» (احزاب: ۵۳) دستور پرده‌نشینی داده شده و این دستور مختص زنان پیغمبر است. گفته‌ایم این کلمه فقط در این آیات به کار برده شده. مخاطب این جمله مردمند نه زنان، و این حکم عام است؛ یعنی هر کس اگر کاری به داخله زندگی کسی دارد و چیزی از زنان آن خانه می‌خواهد بگیرد، باید بداند که غالباً زنان در وضعی هستند که ستر کافی ندارند و نباید سرزده وارد خانه شوند آن‌چنان که اعراب می‌کردند؛ هم‌چنان که لازم نیست آن زنان در داخل خانه خود نیز همواره مسلح به ستر باشند به احتیاط این که مردی شاید وارد شود. مسأله درخواست چیزی از زنان یک خانه از پشت پرده و وارد نشدن در حریم خانه چه ربطی دارد به دستور پرده‌نشینی زن؟ جمله «قَرْنَ فِي بُيُوتِكِنَّ» (احزاب: ۳۲) اولاً به عقیده من جمله اختصاصی است و زنان پیغمبر، آن‌ها که مقید به اجرای دستور بودند، از این جمله چنین فهمیدند که دستوری اختصاصی است و لهذا حتی از مسافرت احتراز داشتند. و به علاوه قطعاً مفاد آیه این نیست که از خانه بیرون نروید، به مسجد و زیارت دوستان و ارحام هم نروید؛ مقصود این است که به کاری که مستلزم این باشد که از حرم پیغمبر خارج شوید دست نزنید، نظیر کاری که عایشه کرد. به هر حال آیه «قَرْنَ فِي بُيُوتِكِنَّ» نیز دستور پرده‌نشینی نیست، نه برای زنان پیغمبر و نه برای غیر آن‌ها.»^{۱۵}

بررسی: بر خلاف سه اشکال نخست که حق کاملاً با استاد بود، در این اشکال کلام اولیه وی موهم خانه‌نشینی زنان پیامبر است: «اسلام عنایت خاصی داشته است که زنان پیغمبر، چه در زمان حیات آن حضرت و چه بعد از وفات ایشان، در خانه‌های خود بمانند، و در این جهت بیشتر منظورهای اجتماعی و سیاسی در کار بوده است.» سخن شریعتمداری درباره عام بودن تکالیف این آیات و عدم اختصاصشان به زنان پیامبر درست است. به نظر شریعتمداری، «قَرْنَ فِي بُيُوتِكِنَّ» نیز حکمی عام شامل همه زنان است، و معنایش لزوم خانه‌نشینی همه زنان است. به نظر مطهری اولاً این حکم اختصاصی زنان پیامبر است، و معنایش هم خانه‌نشینی به معنی حرمت خروج از خانه نیست، بلکه معنایش نهی از فعالیت سیاسی زنان پیامبر بعد از وفات ایشان است، از قبیل آن‌چه در جنگ جمل اتفاق افتاد. بنابراین قرآن به هیچ زنی دستور خانه‌نشینی نداده است. توضیحات ثانوی مطهری رافع ابهام است و نظر شریعتمداری درباره عمومیت حکم «قَرْنَ فِي بُيُوتِكِنَّ» به معنای لزوم خانه‌نشینی همه زنان قابل دفاع نیست.

^{۱۵} مطهری، پاسخ‌های استاد به نقدهایی بر کتاب مسئله حجاب، ص ۲۸-۲۶؛ مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۵۸۴-۵۸۳.

نمونه پنجم. مطهری در مسئله حجاب نوشته است: «به هر حال با لازم نبودن پوشیدن گردی چهره حکم شرعی برخی از کارها از نظر حرمت یا جواز روشن می‌گردد. بسیاری از کارهاست که از نظر فقهی و شرعی اولاً و بالذات بر زن حرام نیست ولی اگر پوشش وجه و کفین را لازم بشماریم ثانیاً و بالعرض بر زن حرام است؛ یعنی از آن جهت حرام است که مستلزم بازگذاشتن چهره و دو دست می‌شود. بنابراین جواز و عدم جواز آن کارها برای زن بستگی بدین دارد که پوشش وجه و کفین واجب باشد یا نباشد.»^{۱۶}

شریعتمداری این‌گونه اشکال کرده است: «مؤلف خود در جاهای دیگر تصریح دارد که برهم زدن اساس خانواده‌ها به بیرون کشیدن زنان به اجتماع مردان کار غلطی است و در صفحه قبل نکته الف نیز همین مطلب است؛ ولی در عین حال مسأله جواز کشف وجه و کفین را به عنوان راهی به سوی این منظور که زن بتواند وارد اجتماع شود معرفی کرده است و وارد نشدن زن را در اجتماع به عنوان محبوس بودن زن معرفی می‌کند و قدح می‌کند. تناقض‌گویی مؤلف در این‌جا نمایان است و در این‌جا تحت تأثیر تبلیغات سوء مخالفین حجاب واقع بوده است؛ عَصَمْنَا اللَّهَ مِنَ الزَّلَلِ.»

مطهری این‌گونه پاسخ داده است: «شما همیشه میان محبوس نبودن و در اجتماعات غیرمختلط شرکت کردن - همان‌طور که در مساجد خود شما هست - از یک طرف و اجتماع مختلط اشتباه می‌کنید. خدا را شکر کنید که شما را از زلل حفظ کرده و ترحمی کنید به حال زالین و ضالین.»^{۱۷} پاسخ مطهری صائب است. ذیل ایراد شریعتمداری (در این‌جا تحت تأثیر الخ) از جمله ایرادات دسته سوم است، یعنی انگیزه‌خوانی و جرح مؤلف. ذیل پاسخ استاد طنزی تلخ است (خدا را شکر الخ).

نمونه ششم. مطهری در مسئله حجاب: «آیا برای زن رانندگی جایز است؟ می‌دانیم که مسأله رانندگی بخصوص، حکمی ندارد، باید دید آیا زن می‌تواند وظایف دیگر خود را در حین رانندگی اجرا کند یا نه؟ اگر پوشش وجه و کفین واجب باشد باید گفت زن نمی‌تواند رانندگی کند.»^{۱۸}

مناقشه شریعتمداری: «در این مورد بخصوص، نصوصی هم هست، از جمله در روایات «اشراط الساعة» که فسادهای آخرالزمان ذکر شده است فرموده‌اند: وَيُرْكَبْنَ ذَوَاتُ الْفُرُوجِ السُّرُوحِ: ص ۴۳۴ ج ۵ المیزان (جملات قبل و بعدش نیز مطالعه شود: وَعِنْدَهَا يَكْتَفِي الرَّجَالُ بِالرِّجَالِ وَالنِّسَاءُ بِالنِّسَاءِ وَيُعَارُ عَلَى الْعِلْمَانِ كَمَا يُعَارُ عَلَى الْجَارِيَةِ فِي بَيْتِ أَهْلِهَا وَتَشَبَّهُ الرَّجَالُ بِالنِّسَاءِ وَالنِّسَاءُ بِالرِّجَالِ وَيُرْكَبْنَ ذَوَاتُ الْفُرُوجِ السُّرُوحِ فَعَلَيْهِنَّ مِنْ أُمَّتِي لَعْنَةُ اللَّهِ (و در روایات جمل آمده است که مسلمین عایشه را تعبیر کردند بر شترسواری و اسب‌سواری (به روش مردان) و از همین باب است شعر معروف «تَجَمَّلْتِ تَبَعَّلْتِ وَ أَنْ عِشْتِ تَفَيْلْتِ ...» به روایات جمل و روایات دفن حضرت مجتبی علیه‌السلام مراجعه شود.»^{۱۹}

مطهری در مسئله حجاب: «آیا کار فروشندگی در خارج از منزل برای زن جایز است یا نه؟»

^{۱۶} مطهری، مسئله حجاب، ص ۱۷۱-۱۷۰؛ مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۵۱۰.

^{۱۷} مطهری، پاسخ‌های استاد به نقدهایی بر کتاب مسئله حجاب، ص ۵۴؛ مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۶۰۳.

^{۱۸} مطهری، مسئله حجاب، ص ۱۷۱؛ مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۵۱۰.

^{۱۹} مطهری، پاسخ‌های استاد به نقدهایی بر کتاب مسئله حجاب، ص ۵۵؛ مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۶۰۴.

مناقشه شریعتمداری: «در روایت سلمان دارد: وَعِنْدَهَا تُشَارِكُ الْمَرْأَةَ زَوْجَهَا فِي التَّجَارَةِ (ص ۴۳۳ ج ۵ المیزان) و در روایت حمران دارد: وَرَأَيْتَ الْمَرْأَةَ تَقْهَرُ زَوْجَهَا وَتَعْمَلُ مَا لَا يَشْتَهِي وَتَنْفِقُ عَلَى زَوْجِهَا (ج ۵ المیزان ص ۴۳۷-۴۳۸). کلام علامه طباطبائی در تأیید صحت این روایات در ص ۴۳۲ ج ۵ مطالعه شود».^{۲۰}

پاسخ مطهری: «برای من فوق العاده موجب تأسف است که سخنانی که از زبان یک روضه‌خوان عادی باید بشنوم از شما می‌شنوم. آیا در یک مسأله فقهی و به منظور کشف نظر شارع در یک موضوع عملی به چنین چیزها می‌شود تمسک کرد؟! این‌ها سخنانی است که حداکثر ارزش موعظه‌ای دارد، آن هم با تقطیع بعضی قسمت‌ها.

اولاً روایت از نظر سند ضعیف است و سنداً عامی است. نمی‌دانم چرا روایات عامه در جاهای دیگر چرند است، اما این‌جا که مطابق عادات تقلیدی آباء است قابل قبول است. از نظر مضمون هم اگر بخواهیم به مثل زمان خودمان حمل کنیم ضعیف است؛ زیرا کلماتی از قبیل «مشاوره‌الأماء» و یا «یغار علی العلمان كما یغار علی الجاریه» دارد که هیچ به عصر و زمان ما نمی‌خورد و متناسب با عصر عباسی است.

ثانیاً آیا هیچ فقیهی از صدر اسلام تاکنون فتوا به حرمت رکوب زنان بر سروج [زین‌ها] داده است؟ اگر بخواهیم توجیه درستی بکنیم این است که بگوییم با این عمل، حرامی دیگر مرتکب می‌شوند مثل کاری که عایشه کرد و یا عاریات بر سروج سوار می‌شوند که این هم مطلب دیگری است. اگر گفته شود مقصود این است که بالاستقلال سوار شوند بدون این که مردی جلوکش باشد، جواب این است: پس فرق نمی‌کند که سرج باشد یا قیت،^{۲۱} و به علاوه کار عایشه مانعی نداشته زیرا چندین جلوکش داشته است.

ثالثاً اگر سروج شامل صندلی اتومبیل باشد چه فرقی هست که صندلی جلو باشد یا عقب؟

رابعاً آیا شما باور می‌کنید که پیغمبر اکرم که مجسمه ادب و عفاف بود، از زنان با کلمه «ذوات الفروج» تعبیر کرده باشد؟ آیا خود شما حاضرید در منبر زنان را با تعبیر فارسی [معادل این تعبیر] برای مستمعین فارسی زبان خود یاد کنید؟ آیا اگر این جمله به دست معاندان فارسی‌زبان بیفتد و در مجله‌ها راه یابد چه آبرویی برای پیغمبر باقی می‌ماند؟!^{۲۲} در قرآن کلمه «فرج» به معنی اعم از آلت تناسلی مرد و زن آمده که قهراً مرادف با کلمه آلت تناسلی یا کلمه عورت است؛ مثل وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ و یا يَحْفَظُونَ فُرُوجَهُنَّ.

خامساً آیا ایراد بر عایشه این بوده که چرا شتر یا قاطر سوار شده است و اگر سوار یک الاغ پالاندار شده بود شما اشکال نمی‌کردید؟

سادساً آیا هیچ فقیهی به حکم این حدیث و تطبیق آن با عصر ما حاضر است حکم کند که چون دوره آخرالزمان است و به حکم حدیث منسوب به سلمان، در این زمان «وَأُتْمِنَ الْخَائِنُ وَيَخُونُ الْأَمِينُ» است، پس فی المثل آقای [سید احمد] خوانساری که مورد اعتماد مردم است و امین شناخته می‌شود حتماً خائن است؛ و یا چون در این حدیث آمده است «أَقْوَامٌ يَتَفَقَّهُونَ لِغَيْرِ دِينِ اللَّهِ ... يَظْهَرُ قُرَاؤُهُمْ وَعِبَادُهُمُ التَّلَاوُمَ»، پس فقها و همه قراء و عباد

^{۲۰} مطهری، پاسخ‌های استاد به نقدهایی بر کتاب مسئله حجاب، ص ۵۵؛ مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۶۰۴.

^{۲۱} قیت به معنی آلت موسیقی یا توشه و خوراک وارد شده که هیچ‌کدام تناسبی با متن ندارد. ظاهراً اشتباهی در خواندن دست‌نوشته مطهری صورت گرفته است.

^{۲۲} آیا مطهری راضی به انتشار عمومی این نقدها و پاسخ‌ها بوده‌است؟!

فاسقند؟

سابقاً چرا خود علامه طباطبائی به موجب این حدیث از استنباطشان از آیات سوره نور و سوره احزاب که عین استنباط ماست عدول نفرمودند؟ حقیقت این است که وارد کردن این گونه استفاده‌ها در فقه نامی جز افساد فقه ندارد. در این روایت آمده «وَعِنْدَهَا تُشَارِكُ الْمَرْأَةَ زَوْجَهَا فِي التَّجَارَةِ». آیا احدی تا کنون به حکم این حدیث فتوا به حرمت شرکت زن با شوهر در تجارت داده است؟ لحن این روایت لحن کراهت نیست، لحن حرمت است.

اما روایت حمران، گذشته از این که سنداً ضعیف است به ابراهیم بن هاشم و شاید محمد بن حمزه نیز، اولاً قرائن زیادی هست که ناظر به اوضاع و احوال دوره بنی‌العباس است و بنابراین برخلاف نظر آقای طباطبائی، حاوی یک جنبه اخبار غیبی که مؤید صحت مضمونش باشد نیست، از قبیل: «وَرَأَيْتَ التَّانِيثَ فِي وُلْدِ الْعَبَّاسِ، وَرَأَيْتَ الدِّينَ بِالرَّأْيِ، وَرَأَيْتَ السَّكْرَانَ يَصَلِّي بِالنَّاسِ ... بِشْتَمِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ ...» و تکیه زیاد به اکتفاء رجال به رجال که از مشخصات عصر عباسی است؛ و ثانیاً چیزهایی است که واقع نشده و با عصر و زمان ما قابل انطباق نیست، از قبیل: وَرَأَيْتَ بَيْتَ اللَّهِ قَدْ عَطَّلَ، وَرَأَيْتَ ذَوَاتِ الْأَرْحَامِ يَنْكَحْنَ، وَرَأَيْتَ الْمَيْتَ يَنْشُرُ مِنْ قَبْرِهِ، وَرَأَيْتَ الْبَهَائِمَ يَنْكَحْنَ.

ثالثاً آیا هیچ فقهی به استناد چنین حدیثی و تطبیق آن به زمان ما فتوا می‌دهد که چون در این حدیث دارد «وَرَأَيْتَ أَقْوَاماً يَتَفَقَّهُونَ لِغَيْرِ اللَّهِ» پس فقها غیر جائزالتقلیدند؛ و یا چون در این روایت دارد: «وَرَأَيْتَ الْخَمْرَ يَتَدَاوَى بِهَا» پس تداوی به خمر ولو با فرض انحصار جایز نیست؛ و یا چون دارد: «وَرَأَيْتَ الْأَذَانَ بِالْأَجْرِ وَالصَّلَاةَ بِالْأَجْرِ» پس اخذ اجرت بر عبادات [جایز] نیست؛ و یا چون دارد: «وَرَأَيْتَ الْمَنَابِرَ يُؤْمَرُ عَلَيْهَا بِالتَّقْوَى ...» پس همه اهل منبر فاسقند؟!

غرض این است که چنین روایت ضعیف‌السند مضطرب‌المتن را نتوان مبنای استنباط حکم فقهی قرار داد. این گونه روایات را فقط برای استشهاد در موعظه‌های قطعی که بی‌نیاز از دلیل است می‌توان مورد استفاده قرار داد. فقها به چنین روایاتی و با چنین استظهاراتی استشهاد نمی‌کنند. به علاوه، چنان که گفتم، دلالت ندارند. در روایات جمل، مردم عایشه را بر شترسواری و قاطرسواری ملامت نکردند، بر قیادت جنگ، آن هم جنگ با علی علیه‌السلام و با جنازه امام حسن ملامت کردند. آیا اگر بر شتر یا قاطر سوار شده و به حج رفته بود، باز هم مورد ملامت قرار می‌گرفت؟^{۲۳}

پاسخ مطهری را علی‌رغم طولانی بودنش نقل کردم. این بهترین سند برای شناخت فقاقت مطهری و مشی فقهی شریعتمداری است. وَكَمْ لَهُ مِنْ نَظِيرٍ!

نمونه هفتم. الف. مطهری در مسئله حجاب: «اساساً نظر ابن مسعود قابل توجیه نیست، زیرا جامه‌ای که خود به خود آشکار است جامه رو است نه جامه زیر، و در این صورت معنی ندارد که گفته شود زنان زینت‌های خود را آشکار نکنند مگر جامه رو را. جامه رو قابل پوشاندن نیست تا استثنا شود؛ برخلاف چیزهایی که در کلمات ابن عباس و ضحاک و عطاست و در روایات شیعه امامیه آمده است؛ این‌ها اموری است که قابل این هست که دستور

^{۲۳} مطهری، پاسخ‌های استاد به نقدهایی بر کتاب مسئله حجاب، ص ۵۹-۵۶؛ مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۶۰۶-۶۰۴.

پوشانیدن یا نپوشانیدن آن‌ها داده شود.^{۲۴}

مناقشه شریعتمداری: «این استدلال در رد تفسیر ابن مسعود صحیح نیست، زیرا ظاهر آیه کریمه هم این است که آن‌چه استثنا شده است چیزی است که خود به خود ظاهر است و پوشانیدنش ممکن نیست، و در حقیقت استثنای منقطع است، چون تعبیر شده است «لَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» و «ظَهَرَ» فعل لازم است. حتی بنا بر تفسیر دیگر که مراد از «ما ظَهَرَ» را زینت وجه و کفین بدانیم، چنان‌که از روایات استفاده شده است، باید این‌طور توجیه کنیم که زینت وجه و کفین خود به خود ظاهر است (چون پوشیدن آن حرج است، گویی پوشیدنش ممکن نیست، پس آن خود به خود ظاهر است) ولی در سایر قسمت‌های بدن مسئله ابداء است نه ظهور خود به خود. فافهم.»

پاسخ مطهری: «استثنای منقطع در مورد چیزی که اخفائش معنی ندارد قابل توجیه نیست. از «فافهم» چیزی نفهمیدم. بعداً در این باره بحث خواهد شد.»^{۲۵}

ب. مطهری در مسئله حجاب: «کسانی که پوشش وجه و کفین را واجب می‌دانند باید استثنای «إِلَّا مَا ظَهَرَ» را منحصر بدانند به لباس رو، و واضح است که حمل استثنا بر این معنی بسیار بعید و خلاف بلاغت قرآن است.»^{۲۶} مناقشه شریعتمداری: «باید توجه داشت که استثنای «إِلَّا مَا ظَهَرَ» از قبیل استثنای منقطع است، زیرا «لَا يَبْدِينَ» از ابداء به معنای اظهار است (اظهار ظاهر کردن) و «ما ظَهَرَ» که از ثلاثی است از ظهور به معنای ظاهر بودن و ظاهر شدن است. پس معنای آیه این است: «إِلَّا آن‌چه که خود به خود ظاهر است و زن اظهار نکرده است، و این خود تأکید از برای «لَا يَبْدِينَ» است و بنابراین هیچ بعدی ندارد که مراد خود لباس باشد، و شک نیست که قد و قامت زن در لباس، هرچه که باشد، نوعی جمال ظاهر دارد، و ممکن است گفته شود که همین مطلب، ولو آن‌که حقیقتاً هم زینت نباشد، مجازاً «زینت» نامیده شده است و خلاصه مفاد آیه این است که زن حق ندارد زینت خود را ابداً آشکار کند مگر آن‌چه که قهراً و بدون اختیار ظاهر است. بلی، آن‌چه در این‌جا مهم است روایت‌های وارده است و باید گفت با ضمیمه کردن روایات به آیه چنین فهمیده می‌شود که ظهور وجه و کفین لابد منه است و از زینت‌هایی است که خود به خود ظاهر است، نه آن‌که زن ابداء کند، از باب این‌که تعسری که در ستر وجه و کفین است به منزله تعدّر تنزیل شده است.»

پاسخ مطهری: «استثنای منقطع، همچنان‌که در شرح ابن ابی عقیل [بر الفیه ابن مالک] آمده^{۲۷} و سید مرحوم

^{۲۴} مطهری، مسئله حجاب، ص ۱۳۷؛ مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۴۸۳.

^{۲۵} مطهری، پاسخ‌های استاد به نقدهایی بر کتاب مسئله حجاب، ص ۴۱؛ مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۵۹۳.

^{۲۶} مطهری، مسئله حجاب، ص ۱۷۲؛ مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۵۱۲.

^{۲۷} نکته مورد نظر در شرح ابن عقیل مشاهده نشد، اما در سیوطی آمده است: «الإستثناء وهو إخراج بآلأ أو إحدى إخوانها حقيقة أو حكما عن متعدد.» قوله «أو حكما»: «في المستثنى المنقطع فإنه منزل منزلة الداخل لإستحضاره بذكر المستثنى منه وتوهم دخوله في حكمه؛ وذلك لأن المستثنى المنقطع لا بد وأن يكون من متعلقات المستثنى منه، بحيث يتوهم دخوله في حكمه.» (شرح السيوطي على ألفية ابن مالك المسمى بهجة المرضية، مع حاشية محمد صالح بن أحمد الغرسي، القاهرة: دار السلام، ۲۰۰۰ م، ص ۲۶۷)؛ و مفصل‌تر از آن در شرح ابن ناظم تشریح شده است. (شرح ابن الناظم على ألفية ابن مالك، تحقيق محمد باسل عيون السود، بيروت: دار الكتب العلمية، ۲۰۰۰ م، ص ۲۱۳-۲۱۰).

در حاشیه مکاسب نقل کرده است،^{۲۸} در جایی است که گرچه مستثنی داخل در مستثنی منه نیست، ولی توهم این که با مستثنی منه در حکم شریک باشد می‌رود. اما اگر توهم نرود، استثناء لغو است. لهذا احتمال ابن مسعود به کلی مردود است. از قضا قد و قامت زن اگر طوری باشد که زینت باشد و جلوه داشته باشد هیچ دلیلی بر استثنای آن نداریم، باید آن را با پوشیدن لباس گشاد بیوشاند. به علاوه، پس از آن همه روایات - با کمال تأسف برای امثال شما - دیگر این بحث لغو است.^{۲۹}

در تفسیر آیه غضّ (نور: ۳۱) دو مبنای مشهور در دست است؛ یکی مبنای ابن عباس، ضحاک و عطا که زینت ظاهر را زینت صورت و دست زن می‌دانند و نتیجه آن جواز کشف وجه و کفین است و استثنا نیز متصل است، دیگری مبنای ابن مسعود که مراد از زینت ظاهر جامه زن است و نتیجه آن لزوم پوشش تمام بدن زن حتی وجه و کفین است و استثنا نیز منقطع تلقی می‌شود. مطهری قائل به مبنای اول است و شریعتمداری قائل به مبنای دوم. در بخش پنجم به تفصیل در تفاوت این دو مبنا و ادله اعتبار مبنای نخست در مقایسه با مبنای دوم بحث خواهد شد.

هفت نمونه منتخب مهم‌ترین اختلافات فقهی شاگرد و استاد بود. نظر مطهری صائب بود که گفته بود: «من در این مناقشات هیچ چیز جالب توجهی نیافتم.» اما این ادعا که مختار کتاب، یعنی وجوب ستر تمام بدن زن به استثنای وجه و کفین، «اجماع عموم مسلمین است»، در بخش پنجم خواهد آمد که قابل مناقشه است. مختار کتاب در مسئله نظر جواز نظر به وجه و کفین زن بدون تلذذ و ریبه است، در این جا این گونه معرفی شده: «در این کتاب چندان تجزم نشده است، فتوای اکثریت فقها است؛ این را باید به خاطر سپرد.

بحث دوم. مناقشات مصلحت‌اندیشانه

از دسته دوم ایرادات شریعتمداری، یعنی مناقشات مصلحت‌اندیشانه، به ارائه پنج نمونه اکتفا می‌کنم.

نمونه اول. مطهری در مسئله حجاب نوشته است: «اما این که چطور در عصر اخیر به جای اصطلاح رایج فقها، یعنی ستر و پوشش، کلمه حجاب و پرده و پردگی شایع شده است برای من مجهول است، و شاید از ناحیه اشتباه کردن حجاب اسلامی به حجاب‌هایی که در سایر ملل مرسوم بوده است، باشد.»^{۳۰} شریعتمداری در آن این گونه مناقشه می‌کند: «شاید وجه آن، مبالغه در پوشیدگی زن است که در حد حجاب ممدوح است، و تعبیر استاد در این جا پسندیده نیست؛ تحریک مردم است علیه متدینین.»^{۳۱} مطهری این گونه پاسخ می‌دهد: «مثل این که علیه اسلام هرچه صورت بگیرد مانعی ندارد، فقط کاری که نباید بشود این است که خاطر مبارک آنان که دانسته یا ندانسته اسلام را مسخ کرده‌اند رنجه نشود و غبار کمی هم بر اعتبار و حیثیت آن‌ها نشینند.»^{۳۲} مطهری انکار

^{۲۸} سید محمد کاظم طباطبائی یزدی، حاشیه کتاب المکاسب، (تحقیق عباس محمد آل سیاب القطفی، قم: طلیعه نور/ مؤسسه طیبیه لإحیاء التراث، ۱۴۲۹ ق)، ج ۲، ص ۷۳-۷۱، حاشیه ۱۰۱.

^{۲۹} مطهری، پاسخ‌های استاد به نقدهایی بر کتاب مسئله حجاب، ص ۶۰-۵۹؛ مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۶۰۷.

^{۳۰} مطهری، مسئله حجاب، ص ۷۵؛ مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۴۳۲.

^{۳۱} مطهری، پاسخ‌های استاد به نقدهایی بر کتاب مسئله حجاب، ص ۳۰؛ مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۵۸۵.

^{۳۲} مطهری، پاسخ‌های استاد به نقدهایی بر کتاب مسئله حجاب، ص ۳۰؛ مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۵۸۵.

جواز کشف وجه و کفین و حضور در اجتماع با رعایت حریم و تکیه بر لزوم پوشش تمام بدن زن و خانه‌نشینی او را مسخ اسلام دانسته است. این نظری صائب و شجاعانه است.

نمونه دوم. مطهری در مسئله حجاب نوشته است: «این مطلب را توضیح می‌دهیم که ما این مسأله را از نظر خودمان بیان می‌کنیم و استنباط خودمان را ذکر می‌نماییم و اما هر یک از آقایان و خانم‌ها از هرکس که تقلید می‌کنند عملاً باید تابع فتوای مرجع تقلید خودشان باشند. آن چه ما می‌گوییم با فتوای بعضی از مراجع تقلید تطبیق می‌کند و ممکن است با فتوای بعضی دیگر تطبیق نکند (هرچند فتوای مخالفی وجود ندارد، هرچه هست به اصطلاح احتیاط است نه فتوای صریح). غرض ما از این بحث این است که شما با متون اسلام از نزدیک آشنا شوید و به منطق متین و محکم اسلام مجهز گردید». ^{۳۳} شریعتمداری این‌گونه در آن مناقشه کرده است: «این جمله ایهام می‌کند که دیگران شما را از آشنا شدن با متون اسلام مانع می‌شوند. این‌گونه جملات بسیار زننده است و مردم را نسبت به فقها بدبین می‌سازد.» ^{۳۴}

مطهری این‌گونه پاسخ داده است: «چنین مفهوم‌گیری نمی‌دانم در "اصول [فقه]" چه نامی دارد؟ این‌ها بهانه‌گیری است. سبحان الله، سکوت دیگران و توضیح و تفسیر مَقْنَع نکردن آن‌ها سبب بدبینی مردم نمی‌شود؛ اما این که بیچاره‌ای جان بکند و بعد بگوید می‌خواهم شما از نزدیک با اسلام آشنا شوید، موجب بدبینی می‌شود! اگر این‌ها بهانه‌گیری برای افتراس ^{۳۵} نیست، پس چیست؟ فرضاً بدبین کند، به پیش‌نمازها بدبین می‌کند نه به فقها. حتماً شنیده‌اید که گرگ و بره از یک نهر آب می‌خوردند و گرگ در بالا و بره در پایین قرار گرفته بود. گرگ می‌خواست بهانه‌ای برای پاره کردن بره پیدا کند، گفت آب نخور که آب‌ها را گل می‌کنی. بره بیچاره گفت: آخر من که پایین‌ترم؛ فرضاً آب گل بشود که به طرف بالا برنمی‌گردد. گرگ گفت: عجب! فضولی و زبان‌درازی هم می‌کنی. فوراً پرید و بره را درید. دریدن یک فرد تنها در یک شهر از طرف افراد به هم بستۀ فامیلی و طبقه‌ای بهانه زیادی نمی‌خواهد، کافی است که گفته شود عرض وجود کرده‌ای و عرض وجود ذنب لا یَغْفَرُ است؛ و جُودُک ذَنْبٌ لا یُقَاسُ بِهِ ذَنْبٌ ^{۳۶}». ^{۳۷}

نمونه سوم. مطهری در مسئله حجاب نوشته است: «طبق احتمال اول، مراد بچه‌های غیرممیز هستند که قدرت تشخیص این‌گونه مطالب را ندارند. اما طبق احتمال دوم، مقصود بچه‌هایی است که قدرت بر امور جنسی ندارند، یعنی غیربالغ می‌باشند هر چند ممیز بوده باشند. طبق احتمال دوم اطفالی که همه چیز می‌فهمند و نزدیک به حد بلوغ می‌باشند ولی بالغ نمی‌باشند جزء استثناها هستند. فتوای فقها نیز بر طبق این تفسیر است.» ^{۳۸}

^{۳۳} مطهری، مسئله حجاب، ص ۱۳۸؛ مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۴۸۴.

^{۳۴} مطهری، پاسخ‌های استاد به نقدهایی بر کتاب مسئله حجاب، ص ۴۲؛ مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۵۹۴.

^{۳۵} افتراس: شکار افکندن، پاره کردن و درهم شکستن و دریدن شکار. (لغت نامه دهخدا)

^{۳۶} وجود تو گناهی است که هیچ گناهی با آن قابل قیاس نیست. «إذا قلت رفقاُ إننی ذبتُ زدتنی / وإن قلت ما ذنبی إلیک أجتبتنی / وجودک ذنبٌ لا یُقَاسُ بِهِ ذَنْبٌ» دیوان الدواوین، عبدالغنی النابلسی (۱۰۵۰-۱۱۴۳)

^{۳۷} مطهری، پاسخ‌های استاد به نقدهایی بر کتاب مسئله حجاب، ص ۴۲؛ مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۵۹۴.

^{۳۸} مطهری، مسئله حجاب، ص ۱۴۶؛ مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۴۹۰.

شریعتمداری این‌گونه مناقشه کرده است: «البته عده‌ای از فقها به احتیاط واجب ستر نسبت به ممیز را لازم دانسته‌اند.»

مطهری این‌گونه پاسخ داده است: «در یک کتاب علمی که نمی‌شود احتیاط‌های واجب را به حساب آورد، احتیاط واجب دو گونه است: برخی فتواست مانند احتیاط در اطراف شبهه علم اجمالی. این احتیاط‌ها فتواست و رجوع به غیر هم جایز نیست. نوعی دیگر عدم الفتوا است و لهذا جایز الرجوع الی‌الغیر است. ممکن است مجتهد در عین نظر قاطع به جواز چیزی، این‌گونه احتیاط واجب بکند که مفهومش این است [که] مقلد به غیر رجوع کند یا عمل به احتیاط - طبق اصل که عامی باید با نبودن فتوای مجتهد احتیاط کند - نماید. مرحوم آقای اسید حسین [بروجردی صریحاً می‌فرمود ما گاهی فتوایمان برخلاف احتیاط متن است (احتیاط وجوبی) ولی فتوای خود را ذکر نمی‌کنیم و الزامی هم نداریم. بر ما رعایت عدم الفتواها که لازم نیست.]^{۳۹}»

نمونه چهارم. مطهری در مسئله حجاب نوشته است: «در این‌جا نباید اعتراض کرد که اکنون رسم بردگی منسوخ شده است و برده‌ای وجود ندارد و پافشاری در این بحث‌ها بی‌ثمر است؛ زیرا اولاً روشن شدن نظر اسلام در این مسائل، ما را به هدف کلی این قوانین که برخی از آن‌ها مورد ابتلا نیز می‌باشد بهتر واقف می‌سازد، و ثانیاً اگر فقیه متهووری جرأت کند چه بسا حکم غلامان را از راه ملاک و مناط، به موارد مشابه آن از قبیل خدمتکاران بتواند تعمیم دهد.»^{۴۰} شریعتمداری این‌گونه مناقشه کرده است: «طرح این بحث‌ها برای عوام بی‌فایده بلکه مضر است، زیرا آنان را گستاخ می‌کند بدون آن‌که آنان را فقیه سازد، و این از بدترین معایب این کتاب است.» مطهری این‌گونه پاسخ داده است: «برعکس بزرگترین خدمت کتاب است. من خودم قبل از نشر این کتاب با برخی مراجع صحبت کردم و دیدم باطناً همه موافقند ولی از امثال شما بیم دارند. فایده امثال این کتاب این است که امثال من چوب امثال شما را می‌خورند، اما بعد راه برای فقها باز می‌شود و آزادانه فتوای خود را ذکر می‌کنند.»^{۴۱} مراد از برخی مراجع احتمالاً آقای خمینی است. به این دو نقل توجه شود:

سید صادق طباطبائی: «در یک سفری که به نجف رفتم شنیده بودم که آقای [شهاب‌الدین] اشراقی با همکاری یکی از آقایان [فکر می‌کنم آقای [محمد] فاضل لنکرانی] قصد دارند مشترکاً کتابی علیه دکتر [علی] شریعتی در ایران منتشر بکنند،^{۴۲} می‌خواستم بدانم امام [خمینی] از این قضیه مطلع هستند یا نه. به امام گفتم نقل شده که

^{۳۹} مطهری، پاسخ‌های استاد به نقدهایی بر کتاب مسئله حجاب، ص ۴۷-۴۶؛ مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۵۹۸-۵۹۷.

^{۴۰} مطهری، مسئله حجاب، ص ۱۵۱؛ مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۴۹۴.

^{۴۱} مطهری، پاسخ‌های استاد به نقدهایی بر کتاب مسئله حجاب، ص ۴۸-۴۷؛ مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۵۹۸.

^{۴۲} منظور این کتاب است که در نقد شهید جاوید نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی نوشته شده است، و الا این دو نفر بر آراء دکتر علی شریعتی کتابی ننوشته‌اند: شهاب‌الدین اشراقی و محمد فاضل لنکرانی، ائمه اطهار علیهم‌السلام یا پاسداران وحی، قم: انتشارات علامه، بی‌تا، ۴۵۶ صفحه. سید محمد ابطحی کاشانی از دوستان و نزدیکان شهاب‌الدین اشراقی: «آیت‌الله اشراقی با حسینیه ارشاد و دکتر علی شریعتی مخالفتی نداشت و حتی کتاب‌های ایشان را می‌خواند ولی با کتاب شهید جاوید مخالف بودند.» (زندگی‌نامه مرحوم آیت‌الله حاج شیخ شهاب‌الدین اشراقی، پایگاه اطلاع رسانی و خبری جماران، ۲۰ شهریور ۱۳۹۱) زهرا اشراقی دختر شهاب‌الدین اشراقی: «بسیاری از کتاب‌های شریعتی را پدر برای من می‌خرید. ... اصلاً پدرم بود که مرا با شریعتی آشنا کرد.» (زهرا اشراقی: امام اصلاً اهل امر و نهی نبودند، پایگاه اطلاع رسانی و خبری جماران، ۱۲ خرداد ۱۳۸۹)

آقای اشراقی به شما گفته‌اند که شریعتی خود را هم‌شان پیغمبران قرار داده. ایشان در پاسخ گفتند: به این شایعات توجه نکنید. آقای [مرتضی] مطهری که کتاب [مسئله] حجاب را نوشت، بعضی آقایان برای من نامه نوشتند که از وقتی کتاب ایشان منتشر شده در محله ما دختران چادرهایشان را برداشتند. من پیغام دادم که اگر یک عالم روحانی را پیدا کردید که این قدر کلامش روی جوانان تأثیر دارد، این را حفظش کنید، تأیید و تشویق کنید، و بگذارید جوان‌ها به حرفش گوش کنند.^{۴۳} مطهری در سفر پاریس از این که آقای خمینی در کتاب مسئله حجاب مشکل فقهی ندیده است به خود می‌بالید.^{۴۴} از این دو نقل به دست می‌آید که آقای خمینی از کتاب مسئله حجاب راضی بوده است.

نمونه پنجم. مطهری در مسئله حجاب نوشته است: «مجدداً توضیح می‌دهیم که بحث ما جنبه علمی دارد نه فتوایی. این بنده نظر خودم را می‌گویم و هر یک از شما باید عملاً به فتوای همان مجتهدی عمل کند که از او تقلید می‌نماید.»^{۴۵} شریعتمداری این‌گونه مناقشه کرده است: «اظهار این مطلب که بحث ما جنبه علمی دارد نه فتوایی برای چه منظوری است؟»

مطهری این‌گونه پاسخ داده است: «چون مکرر گفته و در مقدمه نیز یادآوری کرده‌ایم مسئله حقوق و حدود زن در جامعه امروز از نظر اسلام علاوه بر جنبه عملی، جنبه اعتقادی پیدا کرده است، یعنی باورهای بی‌اساس اجتماع عین متون اسلامی دانسته شده و دستوره‌های واقعی اسلامی هم فلسفه‌اش توضیح داده نشده است و در نتیجه مقررات اسلامی در مورد زن وسیله‌ای شده برای تبلیغ علیه اسلام و ما مرتب شاهد آن هستیم. این کتاب به لطف خدا اثر فوق‌العاده‌ای در خنثی کردن این تبلیغات داشته است و این کتاب کاری جز بیان حقیقت اسلام نکرده است. پس ما این کتاب را برای یک معتقد و اهل تسلیم که به هر حال به فتوای یک مجتهد عمل می‌کند ننوشته‌ایم، ما آن را برای منکران و مرددان و ضعیف‌الاعتقادها نوشته‌ایم. فقها هم فتوایی بر خلاف محتوای این کتاب ندارند، هر چه هست احتیاط‌هایی از قبیل عدم‌الفتواست و ما ضرورتی نمی‌بینیم که در مورد عدم‌الفتواها سکوت کنیم.»^{۴۶} نظر مطهری صائب است، اما این که هیچ‌یک از فقها فتوایی بر خلاف مختار این کتاب ندارند، قابل مناقشه است. در دو فصل بعدی همین بخش و بخش پنجم موارد نقض این ادعا خواهد آمد.

بحث سوم. مناقشات انگیزه‌خوانی و جرح مؤلف

از این دسته (انگیزه‌خوانی و جرح مؤلف) که ای کاش شریعتمداری ننوشته بود، به سه نمونه شاخص اکتفا می‌کنم. **نمونه اول:** مطهری در مسئله حجاب نوشته بود: «بدیهی است تنها خواندن رساله‌های عملیه و آگاهی بر متون فتواها برای این منظور کافی نیست؛ بحثی استدلالی، هم از جنبه نقل و هم از جنبه فلسفه اجتماعی لازم است. این جهت است که این بحث را بر ما ضروری و لازم کرده است و این است محرک ما در بحث استدلالی با بیان

^{۴۳} خاطرات سیاسی اجتماعی دکتر صادق طباطبائی، ج ۱، ص ۱۱۲.

^{۴۴} عبدالکریم سروش، حیات فکری مرتضی مطهری، ۱۱ مرداد ۱۳۹۳.

^{۴۵} مطهری، مسئله حجاب، ص ۱۶۵؛ مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۵۰۷.

^{۴۶} مطهری، پاسخ‌های استاد به نقدهایی بر کتاب مسئله حجاب، ص ۵۰؛ مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۶۰۰.

ادله و مدارک این مسأله».^{۴۷}

شریعتمداری بر این موضع این‌گونه ایراد گرفته است: «اولاً مردم بی‌اعتقادی که بر دستورهای اسلام اعتراض می‌کنند به این مقدار از بیان‌ها که از آقای مطهری صادر می‌شود قانع نمی‌شوند. وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ [بقره: ۱۲۰]. شما برای جلب آنان به اسلام می‌گویید اسلام مانع ورود زن در اجتماع و رانندگی کردن و فروشنده‌گی کردن نمی‌شود و دستورهای خانه‌نشینی زن را به عنوان توصیه‌های اخلاقی و امور غیرلازم از اسلام حذف می‌کنید؛ ولی آن‌ها به این قدر قانع نمی‌شوند؛ از شما توقع دارند که تمتعات جنسی غیر از زنا را نیز حلال کنید و اگر در این مرحله هم تسلیم آن‌ها شوید پیشنهاد می‌کنند که چه مانعی دارد که زنا با قرص جلوگیری تجویز شود وَهَلُمَّ جَرًّا. حقیقت این است که هر سخنی را هر کسی نمی‌پذیرد و برای این انکارها و اعتراض‌ها ریشه‌هایی غیر از ندانستن فلسفه احکام اسلام وجود دارد. قَالَ تَعَالَىٰ: سَأَصْرَفُ عَنْ آيَاتِي الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ، وَأَنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْغَىِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ [اعراف: ۱۴۶]. ثانیاً شما با وارد ساختن متدینین به دلایل احکام و فقیه ساختن آنان خوب است که آنان را در برابر اسلام و بزرگان اسلام متواضع کنید نه آن‌که با تعبیرهایی که نشان می‌دهد که تنها شما به اسلام خدمت می‌کنید و بس، آنان را نسبت به دیگران بدبین و گستاخ کنید.»

۴۸

مطهری: «مردم از مادر بی‌اعتقاد نژائیده‌اند، بالعکس متمایل و علاقه‌مند و به نوعی معتقد زائیده شده‌اند. كُلُّ مَوْلُودٍ يُولَدُ عَلَى الْفِطْرَةِ ...^{۴۹} آن‌چه مردم را بی‌اعتقاد کرده و می‌کند این است که تا خود مستند به سائقه فطرت و مطابق دستور قرآن تعقل کنند و بصیرت یابند فوراً آن‌ها را مصداق لَنْ تَرْضَىٰ عَنكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ [بقره: ۱۲۰] و مصداق سَأَصْرَفُ عَنْ آيَاتِي الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ [اعراف: ۱۴۶] قرار دادیم. کدام دستور اسلام را العیاذ بالله ما حذف کرده‌ایم؟! خدا دلیل و بیچاره کند تهمت‌زن را. اگر امثال این کتاب که تقدم فلسفه اسلام را بر همه فلسفه‌های بشری ثابت می‌کند مردم را در برابر اسلام و بزرگان اسلام متواضع نکند، چه کتابی می‌کند؟! مگر مقصود ما از بزرگان اسلام پیشنمازهای وجوهات‌بگیری باشد که کوچکترین خدمتی به اسلام نمی‌کنند، فقط خوب مال امام را مستهلک می‌کنند، و مقصود از خضوع هم پرداختن وجوه به چنین افراد بی‌هنر و بی‌خاصیت باشد که متأسفانه کم هم نیستند، اگرچه افراد صالح در میان همان پیشنمازها هم زیادند. من در کجا ادعا کرده‌ام که فقط من خدمت می‌کنم؟! چرا این چنین دروغ‌ها می‌بندید؟! خدا از شما نخواهد گذشت. آیا این گناه است که یکی خدمت کند و سبب گردد که مردم به بیکاره‌ها توجه کمتری کنند؟!»^{۵۰}

آیا واقعا مطهری با تجویز کشف وجه و کفین در پی اباحه تمتعات جنسی غیر از زنا و زنا با قرص جلوگیری بوده

^{۴۷} مطهری، مسئله حجاب، ص ۳۸؛ مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۴۸۴.

^{۴۸} مطهری، پاسخ‌های استاد به نقدهایی بر کتاب مسئله حجاب، ص ۴۳؛ مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۵۹۵.

^{۴۹} قال رسول الله (ص): «كل مولود يولد على الفطرة حتى يكون أبواه هما اللذان يهودانه وينصرانه ويمجسانه.» (امین الإسلام طبرسی، مجمع

البيان فی تفسیر القرآن، ذیل آیه ۳۰ سوره روم، ج ۸، ص ۵۹)

^{۵۰} مطهری، پاسخ‌های استاد به نقدهایی بر کتاب مسئله حجاب، ص ۴۴-۴۳؛ مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۵۹۶-۵۹۵.

است؟! جواز کشف وجه و کفین چه ربطی به تمتعات جنسی مذکور دارد؟! این که استادی چنین تهمت سخیفی را از شاخص‌ترین شاگردش بشنود واقعاً جای آتش گرفتن دارد. مطهری به‌راستی تمام کوشش خود را کرده بود که حجاب شرعی را تبیین عقلانی کند. مستشکل پیشنهاد مسجدها را سنگلج کرده است و ذیل پاسخ مطهری نقد موقعیت وی است. به هر حال دو جهان‌بینی مقابل هم صف‌آرایی کرده‌اند: دیدگاه سنتی و دیدگاه نویسنده.

نمونه دوم. مطهری در مسئله حجاب نوشته است: «چهره و دو دست (وجه و کفین): بعد از این که موارد قطعی پوشش را بیان کردیم نوبت می‌رسد به بحث دربارهٔ «پوشش وجه و کفین». مسأله پوشش برحسب این که پوشانیدن وجه و کفین واجب باشد یا نباشد دو فلسفه کاملاً متفاوت پیدا می‌کند. اگر پوشش وجه و کفین را لازم بدانیم در حقیقت طرفدار فلسفه پرده‌نشینی زن و ممنوعیت او از هر نوع کاری جز در محیط خاص خانه و یا محیط‌های صددرد اختصاصی زنان هستیم. ولی اگر پوشیدن سایر بدن را لازم بدانیم و هر نوع عمل محرک و تهییج‌آمیز را حرام بشماریم و بر مردان نیز نظر از روی لذت و ربه را حرام بدانیم، اما تنها پوشیدن گردی چهره و پوشیدن دست‌ها تا مچ را واجب ندانیم، آن‌هم به شرط این که خالی از هر نوع آرایش جالب توجه و محرک و مهیج باشد، بلکه ساده و عادی باشد، آن وقت مسأله صورت دیگری پیدا می‌کند و طرفدار فلسفه دیگری هستیم و آن فلسفه این است که لزومی ندارد زن الزاماً به درون خانه رانده شود و پرده‌نشین باشد؛ بلکه صرفاً باید این فلسفه رعایت گردد که هر نوع لذت جنسی اختصاص داشته باشد به محیط خانواده، و کانون اجتماع باید پاک و منزّه باشد و هیچ‌گونه کام‌جویی، خواه بصری و خواه لمسی و خواه سمعی، نباید در خارج از کادر همسری صورت بگیرد. بنابراین زن می‌تواند هر نوع کار از کارهای اجتماعی را عهده‌دار شود.»^{۵۱}

شریعت‌مداری این‌گونه ایراد گرفته است: «رعایت این فلسفه وقتی امکان دارد که زن محصور در خانه باشد، و الا هرچه پای زن به اجتماع بیشتر باز شود زمینه برای تمتعات عمومی و زنا فراهم‌تر می‌گردد. به علاوه مؤلف می‌داند که طبقه‌ای که به حجاب ایراد می‌گیرند هدف نهایی آن‌ها آزادی تمتعات جنسی است و آن‌ها هرگز راضی نیستند که زن بدون آرایش و پوشیده وارد اجتماع شود. دلیل این مطلب این است که هیچ‌گاه طبقهٔ عقیف و متدین مردم به حجاب ایراد نمی‌گیرند، همیشه ایرادگیری‌ها از ناحیهٔ مردم نانجیب یا فریب‌خورده‌های آنان است. دکتر ... در مطبش یک مینی‌ژوپ پوش درجه یک را به عنوان سکرتر استخدام می‌کند و در جلسات آقای مطهری شرکت می‌کند و منافقانه اظهار می‌کند که به اسلام پایبند است و آقای مطهری هم فریب او و امثال او را می‌خورد.»^{۵۲}

در ذیل این عبارت مطهری در مسئله حجاب: «ما فعلاً در این مقام نیستیم که آیا زن در درجه اول باید به وظایف خانوادگی عمل کند یا خیر؟ شک نیست که ما طرفدار این هستیم که وظیفهٔ اول زن مادری و خانه‌سالاری است.»^{۵۳}

^{۵۳} شریعت‌مداری ایراد گرفته است: «اگر شما طرفدار این رویه بودید حجاب وجه و کفین را محبوسیت زن

^{۵۱} مطهری، مسئله حجاب، ص ۱۶۸؛ مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۵۱۰-۵۰۹.

^{۵۲} مطهری، پاسخ‌های استاد به نقدهایی بر کتاب مسئله حجاب، ص ۵۲؛ مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۶۰۲-۶۰۱.

^{۵۳} مطهری، مسئله حجاب، ص ۱۶۹؛ مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۵۱۰.

نمی‌دانستید؛ زیرا منظور از محبوسیت همین مادری و خانه‌سالاری است.»^{۵۴}

مطهری به دو ایراد فوق یک‌جا این‌گونه پاسخ داده است: «مفهوم این تعبیر که با "اگر" و فعل ماضی بیان شده این است که نیستید و نفاق می‌کنید. در پایین صفحه هم نوشته‌اید دکتر ... (که شما را معالجه کرده است) منافق است. آری این است پاداش کسی که بیش از ده سال صمیمانه به فکر و روح شما خدمت کرده است، و آن است پاداش کسی دیگر که به تن شما (و ظاهراً بدون ویزیت) خدمت کرده است. شما چگونه به شخصی به صرف این که یک گناه مرتکب شده و زنی مینی‌ژوپ پوش استخدام کرده، تهمت نفاق می‌زنید و چه مجوزی دارید؟! این نسبت‌ها حرام است و موجب فسق [می‌شود]. آن چه من در این حواشی می‌بینم آن قدر خالی از موازین اخلاقی است که گاهی تردید می‌کنم جواب بگویم. این که می‌گویید رعایت این فلسفه وقتی امکان دارد که زن محصور و محبوس باشد، غلط است، بلکه وقتی امکان دارد که رعایت واجب (ستر) و سنت (حریم) شود و هیچ‌گونه توفقی بر آن چنان ظلم فاحش - که فقط در مورد برخی مجازات‌ها ظلم نیست «وَاللَّاتِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ... فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّى يَتَوَقَّيَهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا» [نساء: ۱۵] و جایز است - ندارد.»^{۵۵}

این ایراد همانند ایراد قبلی بلکه بدتر از آن است. حق کاملاً با مطهری است که این‌ها را ایرادهای خالی از موازین اخلاقی بخواند. فراموش نکنیم که این تفکر بیمار هنوز در جامعه ما زنده است، بلکه حکومت می‌کند.

نمونه سوم. مطهری در مسئله حجاب نوشته است: «من مصلحت را در گفتن حقیقت می‌دانم. آن چه مصلحت ایجاب می‌کند جز این نیست که باید این خیال را از سر زنان امروز خارج کنیم که می‌گویند حجاب در عصر حاضر غیرعملی است؛ ثابت کنیم که حجاب اسلامی کاملاً منطقی و عملی است.»^{۵۶} شریعتمداری این‌گونه به آن ایراد گرفته است: «منظور کسانی که می‌گویند حجاب در عصر حاضر غیرعملی است این است که با تقلید از نظام اجتماعی اروپا نمی‌سازد، و منظور مؤلف این است که چرا می‌سازد، یعنی می‌توان نظام اجتماعی اروپا را پیروی کرد و در عین حال حجاب اسلامی را حفظ کرد. خلاصه آن که مخالفین حجاب پیروی از نظام جدید را لازم می‌دانند و مؤلف هم تجویز می‌کند، و این خیال خام است. حق این است که این دو نظام با یکدیگر سازگار نیست و کوشش مؤلف اثرش این است که مردمی را که در پرتگاه سقوطند، یکباره ساقط می‌سازد.»^{۵۷}

پاسخ مطهری به ایراد: «خدا لعنت کند کسی را که بخواهد نظام اروپا در ایران عملی شود و خدا لعنت کند مفتری را. از چیزهایی که من هرگز نزد خداوند متعال از آن‌ها نخواهم گذشت این افتراهاست، وَاللَّهُ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ. سبحان الله، آیا با این همه نقدها و تصریحات، آن هم نقدهای عالمانه و منطقی و مستدل از نظام‌های فرنگی و از آن جمله نظام مختلط و عربان فرنگی، باز هم این‌طور تهمت می‌زنید؟! ای کاش یک نفر از کسانی که کارشان استهلاک سهم امام است و بس، یک‌دهم این انتقادهای را می‌کردند و به فحش قناعت نمی‌کردند و وظیفه مرا سبک می‌کردند.

^{۵۴} مطهری، پاسخ‌های استاد به نقدهایی بر کتاب مسئله حجاب، ص ۵۳؛ مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۶۰۲.

^{۵۵} مطهری، پاسخ‌های استاد به نقدهایی بر کتاب مسئله حجاب، ص ۵۴-۵۳؛ مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۶۰۳-۶۰۲.

^{۵۶} مطهری، مسئله حجاب، ص ۲۳۵؛ مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۵۶۴.

^{۵۷} مطهری، پاسخ‌های استاد به نقدهایی بر کتاب مسئله حجاب، ص ۸۲-۸۱؛ مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۶۲۳.

به هر حال این است پاداش کسی که فردی و اجتماعی به مردم ما خدمت کند».^{۵۸}

این ایراد و پاسخ آن نیازی به شرح ندارد. شریعتمداری کشف وجه و کفین را معادل بی بند و باری، فحشاء و تقلید از غرب می‌داند و مطهری در پی این است که نشان دهد فعالیت اجتماعی زن با رعایت کلیه موازین شرعی از جمله حجاب امری ممکن است. با چنین سوء تفاهمی از سوی شاگرد، استاد و شاگرد برای همیشه از هم جدا می‌شوند. این دو تفکر هنوز زنده هستند و در حال جدال با یکدیگر.

بحث چهارم. نقد شریعتمداری بر مسئله حجاب از منظری دیگر

نقدهای شریعتمداری به کتاب مسئله حجاب استادش مطهری را از زاویه دیگری هم می‌توان بررسی کرد، به شرح زیر:

یک. شریعتمداری از سال ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۷ دستیار استادش در گردآوری مطالب مسئله حجاب بوده و در سال ۱۳۴۷ تدوین سخنرانی‌های انجام شده در قالب کتاب را به‌عهده داشته است. با ویرایش دوم کتاب در سال ۱۳۴۸ که اصلاحات و اضافات فراوانی در آن از سوی مؤلف صورت گرفته هم مخالفتی از جانب وی ابراز نشده است. چاپ سوم کتاب در سال ۱۳۴۹ تقریباً همان ویرایش دوم است، بدون حتی مقدمه جدید. کسی که دیدگاهی مطابق نقدهایی که نمونه‌ای از آن گذشت داشته، چگونه در طول این شش سال تولید چنین متن پراشکالی نه تنها ساکت بوده، بلکه در گردآوری مطالب آن دستیار مؤلف بوده، و از همه مهم‌تر تدوین این کتاب پراشکال به قلم وی بوده است؟ طبیعی است که از مؤلف بخواهد آن‌چه در تشکر از وی بابت همکاری‌اش در کتاب در مقدمه نوشته است را حذف کند، چرا که برای هر خواننده‌ای ایجاد سؤال می‌کند. علی‌القاعده شریعتمداری تا ۱۳۴۹ با شریعتمداری از ۱۳۵۰ به بعد یک شخصیت نیست و الا تناقض ترسیم شده محال است از شخصیت واحدی با حداقل خردمندی سر بزند.

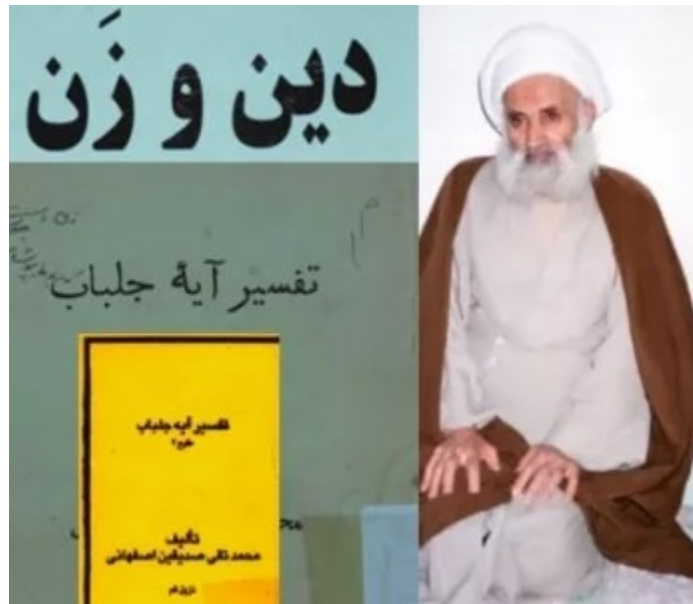
دو. شریعتمداری از اواخر ۱۳۴۹ و به‌احتمال قوی‌تر از اوایل ۱۳۵۰ آدم دیگری شده است. شریعتمداری تا ۱۳۴۹ شاگرد مطهری است و آدمی لنگه او، معتمد استادش و همفکر او. دوازده سال شاگردی در معقول و منقول و تدوین تقریرات چهار کتاب کار کمی نیست. شریعتمداری به قدری علاقه‌مند به استادش است که حتی در نحوه سخن گفتن هم به او اقتدا کرده است. شریعتمداری قرار است جانشین علمی استادش شود. اما یک‌باره ورق برمی‌گردد و شریعتمداری در سه ناحیه صد و هشتاد درجه تغییر می‌کند؛ ناحیه اول بعد از این همه سال تحصیل فلسفه و نوشتن تقریرات فلسفی، یک ضد فلسفه تمام عیار، معاند ملاصدرا و حکمت متعالیه، و یک اخباری معتدل از جنس مجلسی می‌شود. ناحیه دوم دستیار مؤلف مسئله حجاب که تدوین کتاب به قلم اوست، نخستین منتقد آن می‌شود، آن هم نقدی تند که مؤلف را از بی‌انصافی و نسبت‌های ناروا به شدت آزرده کرده است. ناحیه سوم روابطش را به‌طور یک‌طرفه با چنین استاد مشفق قطع می‌کند. من در بخش دوم این تحقیق در حد مقدور کوشیدم عوامل تغییرات شریعتمداری در سال ۱۳۵۰ را ریشه‌یابی کنم. اما اعتراف می‌کنم هنوز همه ابهامات رفع نشده است. انسان موجود پیچیده‌ای است!

^{۵۸} مطهری، پاسخ‌های استاد به نقدهایی بر کتاب مسئله حجاب، ص ۸۲؛ مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۶۲۳.

سه. بهترین راه شناخت شخصیت شریعتمداری متأخر، یعنی از سال ۱۳۵۰ به بعد (دقیقاً به مدت نیم قرن)، نقدهای او بر کتاب مسئله حجاب است. نقد فقهی (یعنی دسته اول نقدهای وی) انصافاً ضعیف است، هم با توجه به پاسخ‌های مؤلف به وی، هم با مقایسه با پنج نقد دیگر. این نقدها بسیار استعجالی و شتابزده نوشته شده است. اگر منتقد مدتی نقدها را نزد خود نگاه می‌داشت، چه بسا با تأمل مجدد به ناروایی بسیاری از آن‌ها پی می‌برد. نقدهای مصلحت‌اندیشانه (دسته دوم نقدها) یکی از آفات تفکر سنتی است و مطهری در این کتاب و دیگر کتاب‌هایش با شجاعت به مبارزه با این بلیه پرداخته است. نقدهای انگیزه‌خوانی و تخریب مؤلف (دسته سوم نقد بلکه جرح) وقتی به کار گرفته می‌شوند که دست منتقد از لحاظ علمی خالی است. متأسفانه این روش ناپسند در میان اهل منبر و مبلغان مذهبی رایج است. شریعتمداری می‌توانست برای جبران این نقدهای مسئله‌دار، با فراغ بال، بعد از انتشار نقدها همراه با پاسخ استاد (که آن هم قابل مناقشه است) نقدی عالمانه بر کتاب بنویسد، از نقدهای دسته سوم کلاً اجتناب کند، کوشش کند از نقدهای مصلحت‌اندیشانه فاصله بگیرد و متمرکز در نقدهای فقهی شود. از کسی که در تسلیت مراجع تقلید «فقیه» خوانده شده است، هیچ کتاب فقهی به استثنای همین نقد پراشکال منتشر نشده است.

چهار. شریعتمداری مدافع خانه‌نشینی زن و لزوم پوشیده بودن تمام بدن زن، حتی صورت و دست‌هاست و نپوشاندن این دو موضع و حضور زن با رعایت پوششی در حد پیشنهادشده در کتاب مطهری خارج از خانه را معادل با فحشاء و پیاده کردن نسخه غربی‌ها برای تخریب جهان اسلام دانسته است. این تنها شریعتمداری نیست که این‌گونه می‌اندیشد. این تفکر مسلط حوزه‌های علمیه و روحانیون سنتی سنی و شیعه است. آن‌ها می‌پندارند این حکم کتاب و سنت است، و فقه و شرع یعنی همین. اهمیت این تفکر مردسالارانه در اندیشه سنتی «در عمل» چیزی در حد اصول دین است یا حتی بالاتر از آن است؛ چرا که اصول دین باوری قلبی است، تا اظهار نشده کسی از آن خبر ندارد. اما نحوه پوشش زن را این جماعت به «پرچم اسلام» تعبیر می‌کنند. از منظر سنتی، حجاب زن ظاهرترین شعائر اسلام است. در همان نگاه اول می‌فهمیم فرد مسلمان است یا نه. یعنی تلقی سنتی و منقبض و مردسالارانه از پوشش زن که وجوب پوشش تمام بدن او بدون استثنا و الزام وی به خانه‌نشینی و عدم جواز خروج از خانه، آن هم با پوشش مذکور جز برای ضرورت، بهترین آزمون تحقق اصول دین است. در نتیجه قول به جواز کشف وجه و کفین و حضور زن محجبه خارج از خانه از سوی یک عالم دین «در عمل» در حد زیرپا گذاشتن اصول دین است. کافی است به شدت عکس‌العمل شریعتمداری توجه شود تا متوجه شویم مطهری چه جای حساسی دست گذاشته بود و در مقام چه اصلاح بزرگی برآمده بود.

فصل دوم. بررسی تفسیر آیه جلاب و دین و زن صدیقین



در این فصل نقدهای محمدتقی صدیقین اصفهانی بر کتاب مسئله حجاب بررسی می شود، و شامل مقدمه کوتاه در معرفی منتقد و سه بحث به شرح ذیل است: صدیقین و تفسیر آیه جلاب، ویرایش دوم تفسیر آیه جلاب، و صدیقین، دین و زن.

مقدمه. محمدتقی صدیقین اصفهانی (۱۳۸۳-۱۳۰۲) شاگرد آقایان سید حسین بروجردی، سید محمدتقی خوانساری و سید محمد محقق داماد، از مدرسین حوزه علمیه قم و صاحب آثاری در فقه استدلالی^{۵۹} و فتوایی^{۶۰} بوده است. او در سال ۱۳۴۹ نخستین اعلامیه را علیه کتاب شهید جاوید نعمت الله صالحی نجف آبادی (۱۳۸۵-۱۳۰۳) صادر کرد و کتاب را منافی مقام عصمت و علم امام معرفی کرده اعتماد به احتمالات تاریخ در مطالب مربوط به اصول دین را خطای محض دانست.^{۶۱} صدیقین کمتر از دو سال بعد کتاب «حسین (ع) و پذیرش دعوت [در نقد شهید جاوید]» را منتشر کرد.^{۶۲}

بحث پنجم. صدیقین و تفسیر آیه جلاب

به احتمال قوی، نخستین کتابی که در نقد «مسئله حجاب» مطهری منتشر شده متعلق به وی است با مشخصات زیر: محمدتقی صدیقین اصفهانی، تفسیر آیه جلاب، قم: چاپ حکمت، [بی تا، ظ ۱۳۵۰-۱۳۴۹]، ۱۱۱ صفحه. این

^{۵۹} از جمله آثار صدیقین در فقه استدلالی: معیار الفقاهة فی شرح شرایع الإسلام (الطهارة، الصلاة، الحج، والجهاد، الإجماع والأخبار، الغناء موضوعاً وحکماً، و شطرنج و منع بازی آن.

^{۶۰} از جمله آثار وی در فقه فتوایی: تعلیقة علی وسیلة النجاة و رساله توضیح المسائل.

^{۶۱} رضا استادی، سرگذشت کتاب شهید جاوید، قم: قدس، ۱۳۸۲، ص ۱۳۵-۱۳۴.

^{۶۲} محمدتقی صدیقین اصفهانی، حسین (ع) و پذیرش دعوت [در نقد شهید جاوید]، قم، بی نا (چاپخانه پیروز)، ۱۳۵۱، ۱۰۲ ص، جیبی.

کتاب نقد ویرایش دوم (چاپ سوم) کتاب مسئله حجاب در تفسیر فقهی آیه «یا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزَوِّجَكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» (احزاب: ۵۹) در اثبات وجوب پوشاندن صورت زن است. آیا مطهری از این نقد مطلع بوده و آن را خوانده است؟ سید مصطفی محقق داماد به یاد می‌آورد که نقدهای صدیقین و محسنی گرکانی را تهیه کرده و شخصاً به استاد مطهری داده است. ۶۳ در ادامه چکیده کتاب ارائه می‌شود.

الف. «رساله از طرفی متکفل بیان معنی و مفهوم لفظ جِلْبَاب است و از طرفی مبیین مراد از يُدْنِينَ و از ناحیه دیگر متضمن بحث ضروری در عَلِيَّهِنَّ است.» ۶۴ «در حقیقت معنی "يُدْنِينَ عَلِيَّهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ" این است: بیوشانند خودشان را با قسمتی از جلاباب‌هایی که در بردارند و این معنی ظهور دارد در این که حتی چهره‌ها را باید به‌وسیله جلاباب‌ها بیوشانند.» ۶۵

ب. «آیة غَضّ [نور: ۳۱] و آیة جِلْبَاب هر دو در این که حجاب را بر زن الزام می‌کنند مشترکند، منتهی الامر آیة غَضّ تا مرتبه‌ای حجاب را بر او لازم می‌کند و آیة جِلْبَاب تا مرتبه بالاتری. آیة غَضّ می‌گوید زن باید تمام مواضع زینت غیر از چهره و دست را به حسب فرض پوشیده دارد و آیة جِلْبَاب می‌گوید زن باید چهره را نیز بیوشاند. بعد از آن که احتمال می‌رود آیة جِلْبَاب بعد از آیة غَضّ به منظور متمیم حکم حجاب نازل شده باشد، ما نمی‌توانیم دست از ظهور آن برداریم، زیرا بنابر این احتمال تصادمی بین ظهور آن و ظهور مفروض در آیة غَضّ وجود ندارد. این‌ها تمام با قطع نظر از تعلیلی است که در آیة شریفه وجود دارد: ... ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ؛ یعنی این عمل برای این که شناخته شوند و مورد اذیت قرار نگیرند نزدیک‌تر است. ... علت و فلسفه اصلی حکم این است که زن‌ها از تعقیب و اذیت مردهای بیگانه مصون و محفوظ بمانند و از اوضح و اوضحات یکی این است که بیشتر تعقیب و اذیت و آزار جوانان معلول چهره زن‌هاست. بنابراین باید چهره آن‌ها نیز پوشیده شود و نمی‌شود امر به پوشاندن زن که معلول این علت است نسبت به چهره شمول نداشته باشد. لکن این بیان خالی از مناقشه و اشکال نمی‌باشد، چیزی که مهم است در نظر حقیر جمله "يُدْنِينَ عَلِيَّهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ" است که چون پوشاندن خود زن مطلوب است و قهراً فرمان و خطاب رسول خدا (ص) هم متوجه به وجه و چهره آن‌ها می‌شود، ظهور دارد در این که چهره او نیز باید پوشیده شود.» ۶۶

ج. «گمان نمی‌کنم در میان روایاتی که به آن‌ها بر جواز انکشاف چهره دست‌آویزی شده است، روایتی که خالی از مناقشه سندی یا دلالی باشد وجود داشته باشد.» ۶۷ ضمناً مؤلف انصاف می‌دهد: «خوب است تا آن جایی که از نظر ادله شرعیه ممنوع نیستیم زن را از صحنه کار و فعالیت دور ننمائیم.» ۶۸

۶۳ در گفتگو با نگارنده.

۶۴ محمدتقی صدیقین اصفهانی، تفسیر آیه جلاباب، قم: چاپ حکمت، [بی‌تا]، ص ۶.

۶۵ صدیقین، تفسیر آیه جلاباب، ص ۴۳.

۶۶ صدیقین، تفسیر آیه جلاباب، ص ۸۷-۸۴.

۶۷ صدیقین، تفسیر آیه جلاباب، ص ۸۸-۸۷.

۶۸ صدیقین، تفسیر آیه جلاباب، ص ۱۱۰.

د. با آن که در کتاب هرگز به اسم مرتضی مطهری تصریح نشده است، اما حداقل دوبار از کتابش این گونه یاد شده است: «در رساله‌ای که اخیراً بعضی از ارباب قلم در مسئله حجاب نوشته است» و «یکی از صاحبان قلم که اخیراً کتابی در مسئله حجاب نوشته است.»^{۶۹} لحن کتاب مؤدبانه و فقیهانه است و دغدغه اصلی آن نقد کشف وجه بانوان و در حقیقت نقد دستاورد اصلی کتاب مطهری است.

بررسی:

اولاً ظهور آیه جلاب در لزوم پوشاندن گریبان و سینه زن است، و حمل آن بر لزوم پوشاندن صورت زن متکلفانه است. بحث تفصیلی در این زمینه و نیز درباره معانی جلاب در بخش پنجم خواهد آمد. ثانیاً این که دلالت آیه جلاب بالاتر از دلالت آیه غض است، حرف تازه‌ای است. به نظر صدیقین مدلول آیه غض وجوب ستر بدن زن به استثنای وجه و کفین است، و مدلول آیه جلاب وجوب ستر آن دو مورد استثنای آن است. او همانند مطهری نزول آیه جلاب را بعد از آیه غض می‌داند. آن چنان که در بخش پنجم خواهد آمد، این ترتیب نزول اشتباه است و این که آیه جلاب ستری بیش از آیه غض را برساند نیز مخدوش است. ثالثاً تعلیل «ذَلِكْ اَدْنَىٰ اَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ» از ارکان آیه جلاب است، اما برخلاف ادعای صدیقین دلالتی به وجوب ستر وجه ندارد. نکته اصلی آن این است که حکم این آیه دایره مدار علت منصوص است. بحث اصلی در دائمی یا موقت بودن این علت است. بحث آن در بخش پنجم خواهد آمد. بحث اصلی صدیقین در نقد مسئله حجاب در ویرایش دوم تفسیر آیه جلاب است که موضوع بحث بعدی است.

بحث ششم. ویرایش دوم تفسیر آیه جلاب

الف. سال‌ها بعد، ویرایش دوم کتاب وی با مشخصات زیر منتشر می‌شود: محمدتقی صدیقین اصفهانی، تفسیر آیه جلاب، طبع ۲، بی‌جا [قم]، بی‌نا، بی‌تا [حوالی سال ۱۳۷۵]، ۳۴ صفحه. این ویرایش صریحاً نقد «ویرایش چهارم» کتاب مسئله حجاب مطهری است. معلوم نیست چرا آن را «طبع (بخوانید ویرایش) دوم» تفسیر آیه جلاب نامیده است. حجم این طبع کمتر از یک سوم طبع اول آن است و کتاب چه تازه‌ای است، که موضوعش البته با طبع اول مشترک است، اما این طبع متمرکز در بحثی جدلی با مطهری است. کارهای صدیقین تاریخ ندارد. از این عبارت وی زمان نگارش این کار قابل استخراج است: «به خوبی در نظرم هست که یک جلد از رساله تفسیر آیه جلاب را تقریباً حدود ۲۵ سال قبل از این نوشتم...»^{۷۰} اگر فاصله نگارش طبع اول و دوم حدود ۲۵ سال باشد، از آن جا که تاریخ طبع اول حوالی سال ۱۳۵۰ بود، تاریخ نگارش طبع دوم حوالی سال ۱۳۷۵ می‌شود. کتابچه این گونه آغاز می‌شود: «گویا آقای مطهری رساله‌ای که من سابقاً در رابطه با این آیه مبارکه [احزاب: ۵۹] به نام تفسیر آیه جلاب نوشته‌ام دیده‌اند. (پاورقی: تا آن جایی که من اطلاع دارم قبل از من کسی این آیه مبارکه

^{۶۹} صدیقین، تفسیر آیه جلاب، ص ۶۹ و ۹۶.

^{۷۰} صدیقین، تفسیر آیه جلاب، طبع ۲، ص ۲۷.

را به عنوان آیه جلاب معرفتی نکرده است) در طبع چهارم [کتاب] مسئله حجاب^{۷۱} که تألیف خود ایشان است، چنین آمده است: «۵. آیه جلاب. دلیل دیگر که می‌توان به آن [در مخالفت با جواز کشف وجه] تمسک جست آیه جلاب است که می‌فرماید: یا ایها النبی قل لزوجک وبناتک و نساء المؤمنین یدنین علیهن من جلابیهن... ای پیامبر! به همسران و دختران و همسران مؤمنین بگو که جلاب‌های (روسری‌ها) خویش را به خود نزدیک سازند... این استدلال مبنی بر این است که جمله "نزدیک سازند روسری‌های خویش را" کنایه باشد از این که با روسری‌ها چهره خویش را بپوشانند؛ هم‌چنان که بسیاری از مفسران مانند زمخسری در کشف و فیض در صافی این چنین تفسیر کرده‌اند. ولی ما در یکی از فصل‌های گذشته تحت عنوان «حریم عفاف» ثابت کردیم این تفسیر هیچ مبنایی ندارد؛ نظر برخی مفسرین دیگر مانند تفسیر المیزان را تأیید کردیم. تا آن جا که من الآن به خاطر دارم هیچ فقیهی به این آیه به عنوان یکی از ادله وجوب ستر استناد نجسته است.»^{۷۲} «۷۳

صدیقین بعد از نقل عبارت پیش گفته مطهری این‌گونه ادامه می‌دهد: «این مطلبی است که آقای مطهری به ظن قوی به عنوان رد تفسیر آیه جلاب که من سابقاً [حوالی سال ۱۳۵۰-۱۳۴۹] نوشته‌ام نوشته است. من اگر بخوام متهم به غرض‌ورزی نشوم، متهم به قدس خشک نشوم، از طرف اصنافی مورد هدف قرار نگیرم، خوبست با خود ایشان طرف شوم و در حقیقت فردی را که در عالم برزخ به سر می‌برد در این کتاب مورد خطاب قرار دهم.»^{۷۴}

مطلب منقول از کتاب مسئله حجاب درباره آیه جلاب در ویرایش‌های اول و دوم کتاب نیست. به ویرایش سوم تا کنون دسترسی ندارم. در ویرایش چهارم هست. ایراد صدیقین این است که مطهری مطلب پیش گفته را بعد از دیدن طبع اول کتاب تفسیر آیه جلاب وی نوشته است، و اکنون طبع دوم کتابچه صدیقین نقد اضافات مطهری به کتاب مسئله حجاب است. حق با صدیقین است، یعنی مطلب اضافه شده به ویرایش سوم کتاب مسئله حجاب واکنش مطهری به کتاب صدیقین است و مؤلف اخلاقاً موظف بوده به این امر اشاره کند. آیا مطهری در مقدمه ویرایش سوم کتابش به این امر اشاره نکرده است؟

ب. مناقشه اول صدیقین به مطهری در معنای جلاب است. از یک سو مطهری اعتراف کرده که به دست آوردن معنای صحیح جلاب دشوار می‌باشد، لکن در ترجمه آیه مبارکه، جلاب را به روسری ترجمه کرده است. «آقای مطهری! از چه راهی اعتراف به دشوار بودن معنی جلاب مبدل شد به اطمینان و وثوق به این که جلاب روسری است؟»^{۷۵} اما این اشکال صدیقین وارد نیست، چرا که دو بخش سخن مطهری درباره جلاب در ویرایش دوم کتاب (۱۳۴۸) موجود بوده^{۷۶} و هیچ ربطی به کتاب وی که یکی دو سال بعد از آن نوشته و منتشرشده است ندارد!

^{۷۱} به نظر می‌رسد طبع چهارم مسامحه باشد. زیرا طبع چهارم (۱۳۴۹) فاقد عبارت مذکور است. این عبارت در طبع یازدهم مکرر ۱۳۵۳ موجود است. این که قبل از این طبع موجود بوده است منوط به دسترسی به طبع‌های ششم تا دهم (۱۳۵۳-۱۳۵۰) است که هنوز به آن‌ها دسترسی ندارم. اگر مراد صدیقین از طبع «ویرایش» باشد، «طبع چهارم» درست است.

^{۷۲} مطهری، مسئله حجاب، ص ۲۰۱-۲۰۰ (انتهای ادله مخالف، قبل از شرکت زن در مجامع)؛ مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۵۳۵.

^{۷۳} صدیقین، تفسیر آیه جلاب، طبع ۲، ص ۱.

^{۷۴} صدیقین، تفسیر آیه جلاب، طبع ۲، ص ۲.

^{۷۵} صدیقین، تفسیر آیه جلاب، طبع ۲، ص ۲.

^{۷۶} مطهری، مسئله حجاب، ط ۳، ص ۱۸۹-۱۸۶ (ابتدای بحث حریم عفاف). در چاپ‌های بعدی ص ۱۶۱-۱۵۸.

صدیقین: «من همان‌طور که در طبع اول تفسیر آیه جلاباب گفته‌ام، در این مرتبه نیز با صدای بلند و فریاد شدیدتری می‌گویم به نظر من بسیار بسیار مشکل است که فقیهی بتواند با وجود این آیه شریفه فتوی به جواز انکشاف چهره بدهد و به نظر من مصادمی هم از برای اقتضای آن نه در خود آیه وجود دارد و نه در خارج.»^{۷۷} بسیار خوب، نظر صدیقین برای خودش محترم است، اما فقهای متعددی چنین تفسیری از آیه جلاباب ندارند.

پ. با این‌که مطهری بحثی درباره ارشادی بودن حکم آیه جلاباب نکرده است، صدیقین این پرسش جدی را مطرح می‌کند که «امر این آیه از قبیل امر مولوی است یا امکان دارد از جهت علتی که در کلام آن است امر ارشادی باشد؟» بعد این ان قُلْتُ را مطرح می‌کند: «چطور است بگوئیم یک وظیفه کلیه مطلقه‌ای از آیه جلاباب نسبت به پوشانیدن چهره زن استفاده می‌شود؟ ... آیا امکان ندارد کسی توهم کند وظیفه‌ای که به حسب فرض از آیه استفاده می‌شود کلیت نداشته و دایره مدار وجود و عدم علت است؟» او در جواب نخست خود حکمت بودن آن‌چه را که علت پنداشته‌اند تقویت می‌کند و می‌گوید: «تنها احتمال حکمت بودن بس است در این‌که کلیت [حکم] را محدود ننمائیم.» در پاسخ دوم خود می‌گوید اولاً علت متوجه زن‌ها نشده است، بلکه خطاب به پیامبر است و مشتمل بر اِذْناء است، پس جایی برای توهم اختصاص و محدودیت آن نیست. ثانیاً چون تحقق ما یترقبی در بین نیست، ارشادی بودن امر وجهی ندارد. «مگر نه این است که زن قبل از دستور اِذْناء جلاباب صورت خود را از نامحرمان نمی‌پوشانیده است؟ بنابراین امر به اِذْناء را ارشاد به چه چیزی بدانیم؟»^{۷۸} هر دو پاسخ صدیقین مندمج است و نیاز به تشریح بیشتر دارد و در هر حال پاسخ وی قانع‌کننده به نظر نمی‌رسد. در بخش پنجم تحقیق بر ارشادی بودن حکم آیه ادله‌ای ارائه خواهد شد.

ت. مطهری در مسئله حجاب: «بسیار مستبعد است که بگوئیم گشودن چهره در غیر حال اِحرام از محرمات محسوب می‌شود و در حال اِحرام واجب است.»^{۷۹} به نظر صدیقین «از اخبار تنها منع تنقب استفاده می‌شود و اما اِسْدال از برای زن از نظر اخبار اگر لازم نباشد حرام نیست.»^{۸۰} نقاب به صورت زن می‌چسبد، اما در اِسْدال ساتر مثل پرده کوچکی جلوی صورت آویزان است بدون این‌که به صورت بچسبد. اشکال جدی صدیقین به مطهری عدم توجه به روایات اِسْدال در بحث اِحرام است: «آقای مطهری شما که مسئله حجاب را به زبان فارسی، آن هم به نحو مستدل نوشتید، خوب بود تتبع بیشتری می‌کردید و اقلّاً این روایات را هم در کتاب خودتان می‌نوشتید. آقایانی که در حوزه علمیه کتاب [مسئله] حجاب آقای مطهری را به عنوان سمبل و گل سرسبد تلقی کرده و گویا بعضی شماها آن را فصل الخطاب در مسئله قرار داده و عملاً و تبلیغاً در این مسئله که اثباتاً و نفیاً از مهمات مسائل اسلامی است کم‌لطفی کرده‌اید؛ خوب بود اقلّاً تتبع کرده و اخبار اِسْدال در مورد اِحرام را دیده و حسابی‌تر به این مسئله بپردازید.»^{۸۱} اشکال صدیقین در غفلت از روایات اِسْدال به مطهری وارد است. آن‌چنان‌که در بحث دهم

^{۷۷} صدیقین، تفسیر آیه جلاباب، طبع ۲، ص ۱۲.

^{۷۸} صدیقین، تفسیر آیه جلاباب، طبع ۲، ص ۱۷-۱۴ (با تلخیص).

^{۷۹} مطهری، مسئله حجاب، ص ۱۸۵؛ مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۵۲۲.

^{۸۰} صدیقین، تفسیر آیه جلاباب، طبع ۲، ص ۱۷.

^{۸۱} صدیقین، تفسیر آیه جلاباب، طبع ۲، ص ۲۷.

خواهد آمد اشتهازدی در سال ۱۳۵۷ این اشکال را به اختصار به مطهری کرده است.

ث. این هم عبارت پایانی رساله صدیقین: «من با وجود آیه مبارکه جلاب و اخبار إسدال و شهادت دادن به این که اصل کار در زن چهره است، هرگز نمی توانم فتوای به جواز انکشاف [وجه] بدهم. اگر عویصه‌ای در بین نبود شاید از افتاء به لزوم استتار نیز خوداری نمی کردم.»^{۸۲} پس صدیقین هم قائل به احتیاط وجوبی ستر وجه است و با این همه استدلال نتوانسته فتوا به وجوب ستر بدهد.

لحن تندتر ویرایش دوم نسبت به ویرایش اول از این روست که صدیقین می پندارد مطهری در ویرایش چهارم کتابش با دیدن نقد صدیقین تغییراتی داده بدون این که به روی خود بیاورد که منشأ این تغییرات رساله وی بوده است. با این همه، با دادن شماره صفحه و نقل عبارات متعدد از مطهری می کوشد ضعف استدلال های فقهی مطهری را نشان دهد. اگرچه در مدلول آیه جلاب بر وجوب ستر وجه بتوان خدشه کرد، آس برنده او اخبار إسدال در حج است که مطهری از آن مطلقاً غفلت کرده است. در مجموع، ویرایش اول و دوم تفسیر آیه جلاب صدیقین نقد فقه سنتی بر مسئله حجاب مطهری است که پاسخ می طلبد.

ج. مدتی بعد کتابچه ذیل هم پخش شد: محمدتقی صدیقین، تفسیر آیه جلاب، طبع سوم [قم]، بی نا، بی تا، ۳۲ صفحه. مقدمه آن به شرح زیر است: «شیوع انکشاف چهره زن از یک طرف و رسوخ کتاب مسئله حجاب آقای مطهری در ذهن بعضی جوانان حدیث السن از طرف دیگر شاید ایجاب می کرد که طبع دوم تفسیر آیه مبارکه جلاب به این شدت مورد استقبال حوزه علمیه قم قرار نگیرد. لکن خوشبختانه بیش از حد انتظار مورد استقبال قرار گرفت، بلکه از بعض اساتید دانشگاه ها هم در رابطه با این جهت بی اطلاع نمی باشم. لذا با وجود کثرت اشتغال و قلت حال تعداد معتنی به دیگری از تفسیر آیه مبارکه را به عنوان نوبت سوم به صورت زیراکس به دانشمندان ارائه می دهم و مثل نوبت قبل تأثیر آن را از نظر عمل به خدا واگذار می نمایم. امید است همگان زیر سایه حضرت حجت بن الحسن (عجل الله تبارک و تعالی فرجه الشریف) موفق باشید.»^{۸۳}

ظاهراً طبع ۲ و ۳ جز همین پیشگفتار کوتاه هیچ تفاوت دیگری با هم ندارند. متأسفانه هیچ قرینه در کتابچه نیست که سال نگارش یا پخش آن را معلوم کند. با توجه به سال وفات نویسنده (۱۳۸۳) زمان نگارش طبع سوم باید اواخر نیمه دوم دهه هفتاد باشد.

بحث هفتم. صدیقین، دین و زن

از نویسنده تفسیر آیه جلاب کتابچه دیگری با مشخصات ذیل منتشر شده که با موضوع بحث ما ارتباط وثیق دارد: محمدتقی صدیقین اصفهانی، دین و زن، قم: بی نا، بی تا، ۸۱ صفحه. این کتابچه هم مثل کتابچه های قبلی وی فاقد تاریخ است. اما از این عبارت می توان حدس زد که زمان نگارش آن اوایل دهه هشتاد باشد: «من در کتاب طبع دوم و طبع سوم تفسیر آیه جلاب صحبتی از این حدیث نکرده ام.»^{۸۴}

در مقدمه کتابچه می خوانیم: «متأسفانه امروز که کشور روی ثقل ثقیل انقلاب و رهبری روحانیت دور می زند. در

^{۸۲} صدیقین، تفسیر آیه جلاب، طبع ۲، ص ۳۲.

^{۸۳} صدیقین، تفسیر آیه جلاب، ط ۳، ص ۱.

^{۸۴} محمدتقی صدیقین اصفهانی، دین و زن، قم: بی نا، بی تا، ص ۹.

رابطه با زن‌ها گذشته از چیزهای عجیبی که دیده می‌شود، چیزهای عجیبی هم شنیده می‌شود. من در این جزوه چهل حدیث از احادیثی که - ولو فی‌الجمله - در رابطه با زن صادر شده عنوان می‌کنم. امیدوارم ان‌شاءالله تبارک و تعالی هم سیاست سیاستمداران حساس‌تر شود و هم از فرط آزادی و یله و رها بودن که نسبت به دسته‌ای از زنان قابل انکار نیست کاسته شود.^{۸۵} نویسنده از منکران ولایت فقیه است،^{۸۶} اما از تصویب قوانین شداد و غلاظ علیه زنان به نام دین دفاع می‌کند. مطالعه این کتاب برای لمس میزان محافظه‌کاری و ذهن بسیار بسته صدیقین در مسئله حقوق زن بسیار لازم است.

اما آن‌چه مستقیماً به بحث ما مربوط می‌شود عبارت ذیل است: «وای از کتاب مسئله حجاب آقای مطهری که چقدر با سرعت و بیرون از مرز حساب نوشته شده، و وای از تعریفی که در رابطه با کتب این مرد به آقای خمینی نسبت داده می‌شود. البته این‌طور نیست که تمام نسبت‌ها روی مرز صدق تحقق پیدا کند. راستی مگر می‌شود عالمی بدون تحقیق و بررسی کتاب‌هایی را که یک نویسنده غیرمعصوم نوشته تعریف کند؟»^{۸۷} جمله نخست این نقل جرح مطهری است. «بیرون از مرز نوشتن» یعنی خارج از ضوابط علمی بودن کتاب. جمله دوم نقد این عبارات آقای خمینی در مدح مطهری است:

«او [مطهری] با قلمی روان و فکری توانا در تحلیل مسائل اسلامی و توضیح حقایق فلسفی، با زبان مردم و بی‌قلق و اضطراب به تعلیم و تربیت جامعه پرداخت. آثار قلم و زبان او بی‌استثنا آموزنده و روان‌بخش است و مواظ و نصایح او که از قلبی سرشار از ایمان و عقیدت نشأت می‌گرفت، برای عارف و عامی سودمند و فرح‌زا است.»^{۸۸} «خدمتی که مرحوم مطهری به نسل جوان و دیگران کرده است، کم کسی کرده است. آثاری که از او هست، بی‌استثنا، همه آثارش خوب است و من کس دیگری را سراغ ندارم که بتوانم بگویم: بی‌استثنا آثارش خوب است. ایشان بی‌استثنا آثارش خوب است؛ انسان‌ساز است؛ برای کشور خدمت کرده است. در آن حال خفقان، خدمت‌های بزرگ کرده است این مرد عالی‌قدر.»^{۸۹}

عبارت نخست به قلم آقای خمینی است و در زمان حیاتش از رادیو و تلویزیون پخش شد و در روزنامه‌ها منتشر شد. عبارت دوم با صوت و تصویر گوینده موجود است، پس چیزی نیست که به آقای خمینی نسبت داده شود؛ این‌ها حقیقتاً نوشته و گفته ایشان است. صدیقین آقای خمینی را متهم می‌کند که بدون تحقیق و بررسی تمام کتب مطهری را بی‌استثنا خوب دانسته است. اشکال اصلی او به کتاب مسئله حجاب است. اتفاقاً مطابق دو نقلی که در بحث دوم همین بخش گذشت، آقای خمینی این کتاب را خوانده و به شکل مشخص هم از آن دفاع کرده

^{۸۵} صدیقین، دین و زن، ص ۸.

^{۸۶} «شاید در معیار الفقاهه بیش از یک جا و دو جا از من صریحاً یا اشاره دیده‌اید که ولایت فقیه ثابت نیست.» (صدیقین، دین و زن، ص ۳۲)؛ «ثبوت ولایت مطلقه برای فقیه عادل مورد حرف و بحث فقها است و من تاکنون نتوانستم التزام به آن بدهم.» (پیشین، ص ۳۲)؛ «اگر ولایت مطلقه از برای فقیه ثابت شود یعنی فقیه بتواند حلالی را حرام کند یا حرامی را حلال کند.» (پیشین، ص ۳۶)

^{۸۷} صدیقین، دین و زن، ص ۲۰.

^{۸۸} روح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ۹ اردیبهشت ۱۳۶۰، ج ۱۴، ص ۳۲۵.

^{۸۹} خمینی، صحیفه امام، ۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۱، ج ۱۶، ص ۲۴۲.

است.

البته خوب بودن یک کتاب به معنی نقدناپذیری و بی‌خطا بودن آن نیست. خوب بودن یعنی جهت‌گیری کلی و شاکله کتاب قابل دفاع است. مسئله حجاب را می‌توان کتابی خوب دانست. البته جریان سنتی این تلقی را ندارد.

فصل سوم. بررسی نقدهای ضیاءآبادی، محسنی گرکانی، اشتهااردی و شریعتی



این فصل شامل چهار بحث به شرح ذیل است: ضیاءآبادی و کتاب قساوت، محسنی گرکانی و ترجمه حجاب در اسلام و شنوی قمی، الحجاب فی الإسلام ابوالقاسم اشتهااردی، و حل مسئله حجاب مهدی شریعتی.

بحث هشتم. ضیاءآبادی و کتاب قساوت

الف. سید محمد ضیاءآبادی (۱۳۰۹-۱۳۹۹) از ائمه جماعات معروف تهران، استاد اخلاق که سخنرانی‌هایش سال‌ها از صدا و سیما پخش می‌شد، در مدارس علمیه تهران سطح فقه و اصول تدریس می‌کرده است. در زمان درگذشتش آقایان سید علی سیستانی و لطف‌الله صافی گلپایگانی پیام تسلیت دادند. خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی نیز «درگذشت عالم جلیل جناب حجة الإسلام والمسلمین آقای حاج سید محمد ضیاءآبادی» را تسلیت گفت. (۲۱ بهمن ۱۳۹۹)

ب. مشخصات کتاب مورد بحث این است: سید محمد ضیاءآبادی، قساوت: بیماری مهلک قرن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۱، ۱۱۳ ص. ^{۹۰} کتاب برای مخاطب عمومی به زبانی ساده و در قالب پندهای اخلاقی مستند به آیات و روایات ارائه شده و عوامل قساوت قلب را در سه عنوان بررسی کرده است: موسیقی به تفصیل، مطبوعات

^{۹۰} چاپ اخیر کتاب: سید محمد ضیاءآبادی، قساوت: بیماری مهلک قرن، چاپ سوم، تهران: انتشارات مؤسسه بنیاد خیریه الزهراء، ۱۳۸۵.

منحرف به اجمال، و بی‌حجابی زنان که ثلث آخر کتاب را تشکیل می‌دهد. در کتاب هرگز نام مرتضی مطهری و اسمی از کتاب مسئله حجاب او ذکر نشده است، اما اظهر من الشمس است که صفحاتی از کتاب در نقد مطهری و کتاب مذکور است، که به برخی از شواهد آن اشاره می‌شود.

پ. «شاید بعضی تصور کنند که علت بی‌پروایی و إفراط در بی بند و باری زنان امروز سخت‌گیری‌ها در امر حجاب است که مثلاً اگر پوشاندن صورت و دست‌ها بر زن واجب نباشد تا این درجه از بی‌شرمی و گستاخی پیش نمی‌آید. ولی به نظر می‌رسد این تصور اشتباه است، زیرا به‌طور مسلم آن‌چه موجب عصیان و بی‌تقوایی است نبود ایمان یا لااقل ضعف ایمان اکثر مردم به مبدأ و معاد است. ... البته این چنین مردم بی‌ایمان اسیر دام هوا و هوس تسلیم هیچ قانون ضد هوس نخواهند شد و از پیشتازی در مسیر بی بند و باری عقب‌نشینی نخواهند کرد، حالا چه سخت‌گیری در امر حجاب بشود یا سهل‌انگاری. اما زنان مسلمانی که تربیت واقعی دینی دارند و مؤمن به خدا و روز حساب می‌باشند و ترس از کیفرهای دردناک روز قیامت در جانشان نشسته است، هرگز مقهور نمی‌شوند و با زیر پا نهادن فرمان خدا خود را مستحق عذاب الیم آخرت نمی‌سازند، هر چند در راه دین‌داری و پیروی از رسول خدا (ص) بسیاری از خواسته‌های دلشان عملی نشود و بهره‌های فراوان دنیایی از دستشان برود. بنابراین استثناء وجه و کفین از حکم وجوب تستر در مرحله عمل آن هم در محیط کنونی نه دسته اول را به حجاب می‌آورد و نه دسته دوم را بی‌حجاب می‌سازد، بلکه تنها اثرش این می‌شود که بسیاری از باحجاب‌های متوسط را به إهمال و تسامح راغب کرده و تدریجاً به آزادی مطلق سوقشان می‌دهد و گناه را در نظرشان به صورت مباح درمی‌آورد. یعنی الآن گناه می‌کنند، اما خود را گنهکار شرمسار می‌دانند، ولی در آن موقع هم گناه می‌کنند و هم خود را مجاز از طرف دین دانسته و زشت‌کاری و تبرج را به حساب خدا می‌گذارند.»^{۹۱}

ت. «غرض، بحث در کیفیت عمل به حکم مسئله در محیط کنونی و احراز شرایط و تشخیص مصداق است که باید در نظر بگیریم ما در چه محیطی هستیم و مرد و زن در چه شرایطی به سر می‌برند. آن‌گاه تصدیق خواهیم کرد در محیط سراسر ریه و تلذذی که ما داریم اصلاً زمینه‌ای برای پیاده کردن حکم جواز نظر و عدم وجوب ستر (بر فرض ثبوت فتوایی در محل خود) نمی‌ماند! چون بدیهی است زمینه بحث و سخن همین اجتماع موجود است که می‌بینیم و می‌شناسیم، نه یک اجتماع طیب و طاهر بی‌غلّ و غشّ و عاری از ریه و تلذذ ساخته در عالم خیال که پرورده‌هایش همه مریم و یوسف باشند!»^{۹۲}

ث. «اما اشکال دیگری که طرح می‌کنند می‌گویند اگر وجوب ستر وجه و کفین عملی شود مستلزم محدودیت فعالیت زن گشته و کار او را منحصر به امور خانه و اجتماعات خاص زنان می‌گرداند. می‌گوییم بسیار خوب، چه لزومی دارد که ما زن را از خانه بیرون کشیده و در مرئی و منظر مردان به فعالیت واداریم؟! آیا اگر زنان منحصر به امور تدبیر منزل و فعالیت‌های فرهنگی و بهداشتی مختص به زنان بشود و هیچ‌گونه تماسی با مردان پیدا نکنند، نقص و فتوری در زندگی اجتماعی حادث می‌شود؟! آیا اگر زن مثلاً راننده و فروشنده در مراکز فروش عمومی و

^{۹۱} ضیاء آبادی، قساوت، ۱۳۸۵، ص ۱۲۰-۱۱۹.

^{۹۲} ضیاء آبادی، قساوت، ص ۱۲۱.

پشت میز نشین اداره و معلم کلاس مردان و نظایر این امور نشود، نظام زندگی مختل است؟ یا خیر، به عکس؟ اگر قوانین متین حقوقی اسلام دربارهٔ مرد و زن اجرا شود و هر یک جدا از دیگری به فعالیت‌های مناسب خود بپردازد، به طور قطع، نظام زندگی با آرامش و متانت کامل محفوظ می‌ماند و هر دو دسته به سعادت و خوشبختی خود نائل می‌شوند. بله! حقیقت این است که اگر بخواهیم زندگی آلوده به هوس اقتباس شده و تقلیدی از اروپائیان را اصل بدانیم، ناچار باید از حجم قوانین دینی بتراشیم تا با قالب زندگی روز منطبق درآید ولی اگر دین و قوانین الهی را اصیل بدانیم، در این صورت موظفیم از حکم سنت‌های هوس‌آلود زندگی تقلیدی بتراشیم تا مطابق با قالب دین گردد، اگرچه با ملامت‌ها و سرزنش‌های تودهٔ غریبهٔ نادان مواجه گردیم! چرا که ملازم حق بودن نیازمند به جهاد است.^{۹۳}

این عبارات یقیناً متعرض مطهری در مسئله حجاب است؛ البته آرای او به صورت محرّف نقل شده است. آشنایی با این کتاب برای فهم سطح فکر اهل منبر در قضیه مفید است. سطح بحث بسیار نازل است و نیازی به نقد ندارد. نقدهای وی به قسم سوم نقدهای شریعتمداری نزدیک است. ضمناً مدرکی در دست نیست که مؤلف از این نقد مطلع بوده باشد.

بحث نهم. محسنی گرگانی و ترجمه حجاب در اسلام و شنوی قمی

الف. محمد قوام و شنوی قمی (۱۳۷۶-۱۲۸۹) از ملازمان آقا شهاب‌الدین نجفی مرعشی (۱۳۶۹-۱۲۷۶) بوده است و آثاری در مورد تاریخ صدر اسلام از خود به جا گذاشته است.^{۹۴} وی کتابی دارد به زبان عربی با این مشخصات: محمد قوام الوشنوی القمی، الحجاب فی الإسلام، قم: الحکمة، ۱۳۷۹ق [۱۳۳۸ ش]، ۱۰۳ ص. این کتاب مانیفست تفکر سنتی در مورد احکام زنان است و قبل از نگارش کتاب مسئله حجاب منتشر شده است. مترجم احمد محسنی گرگانی (متولد ۱۳۰۵)، از روحانیون حکومتی^{۹۵} تألیفاتی دربارهٔ حجاب دارد.^{۹۶} مشخصات کتاب مورد بحث وی: محمد قوام و شنوی قمی، حجاب در اسلام، ترجمه و اضافات از احمد محسنی گرگانی، قم: چاپخانه حکمت، مرداد ۱۳۵۲، ۲۲۲ ص. مترجم مطلقاً اسم مرتضی مطهری را در کتابش نبرده است، اما مکرراً مدافع کشف وجه و کفین و قدمین را به زبانی بی‌ادبانه نواخته است و چند بار در پاورقی به کتاب مسئله حجاب بدون ذکر نام مؤلفش ارجاع

^{۹۳} ضیاء آبادی، قساوت، ص ۱۲۲.

^{۹۴} از جمله: أصحاب رسول الثقلین فی حرب الصفین (قم: چاپخانه اسلام، ۱۳۵۳، ۱۳۶ ص)؛ غزوة خیبر أو الحدیث المتواتر من المأة الثانية إلى العصر الحاضر (قم: حکمت، ۱۳۵۶، ۱۱۲ ص)؛ حیاة النبی و سیرته (به اشراف رضا استادی، قم: منظمه الأوقاف و الشؤون الخیریه، دار الأسوه للطباعة و النشر، ۱۳۷۴، ۳ ج).

^{۹۵} برخی از مشاغل محسنی گرگانی: امام جمعه تویسرکان (۱۳۶۰-۱۳۵۸)، امام جمعه تربیت حیدریه (۱۳۶۱)، امام جمعه اراک (۱۳۸۸-۱۳۷۲)، ریاست شعبه نهم دیوان عالی کشور (۱۳۷۳-۱۳۶۲)، نماینده دوره سوم مجلس خبرگان از استان مرکزی (۱۳۸۵-۱۳۷۷)، رئیس دیوان عالی کشور (۱۳۹۳-۱۳۸۸) در زمان ریاست صادق لاریجانی بر قوه قضائیه.

^{۹۶} احمد محسنی گرگانی، زیباترین الگوی پوشش در اسلام ویژه دختران جوان (اراک: دفتر حضرت آیت‌الله محسنی گرگانی - ۱۳۸۱، ۳۴۰ صفحه؛ ناشر چاپ‌های بعدی: دفتر نماینده مقام معظم رهبری در استان مرکزی و امام جمعه اراک)، و احمد محسنی گرگانی، در ناب در صدف حجاب (اراک: انتشارات علوم اسلامی، ۱۳۸۴، ۱۱۸ صفحه).

داده است. هم‌چنان که در فصل دوم گذشت، سید مصطفی محقق داماد نسخه‌ای از این کتاب را همراه با کتاب صدیقین در اختیار استادش گذاشته بود. بنابراین مطهری از انتشار این کتاب مطلع بوده است. موضع نویسنده و مترجم بسیار مرتجعانه است (معادل شیعی طالبان). نقد محسنی گرکانی به ویرایش دوم کتاب است.^{۹۷} نمونه‌هایی از نقد محسنی گرکانی بر مسئله حجاب (البته بدون ذکر نام مطهری) در دنبال می‌آید:

ب. «آن‌چه لازمه محکمه وجدان و تتبع کامل در آیات و روایات مربوطه است ما را به این نتیجه می‌رساند که پوشش تمام بدن برای زن حتی چهره و دست‌ها تا میج لازم است.»^{۹۸} «زن تمام پیکرش شرمگاه و تحریک کننده است و این که تمام بدن زن عورت است، اصل پایه مسئله حجاب است. بازگشت از این اصل اساسی جز با برهان قانع کننده جایز نیست.»^{۹۹} «کسانی که پوشش چهره و کفین زن را واجب نمی‌دانند به دلایلی مانند قرآن و اخبار و عقل و سیره متمسک شده‌اند. اگرچه استدلال به بعضی از آن‌ها ممکن است صورت برهانی به خود بگیرد، اما فقها آن‌ها را تمام ندانسته و استدلال به آن‌ها را در این مورد مخدوش دانسته، آن صلاحیت و ارزش را ندارد که ما را از قاعده مسئله حجاب اسلامی دست برداریم.»^{۱۰۰} «بی‌مایگی و بی‌اعتباری آن [تمسک به روایات در جواز کشف وجه و کفین] پس از بررسی بر همگان، به‌ویژه بر فقیه ماهر، معلوم خواهد شد که مدعی آنان به صورت یک ادعای بی‌دلیل و یا دلیل ضعیف درمی‌آید.»^{۱۰۱} این شیوه جزم‌اندیشانه و بی‌ادبانه و یک طرفه به قاضی رفتن باعث تأسف است.

پ. «زخم زبان: همان گوینده [مرتضی مطهری] گاهی بر جمیع اهل ایمان که پوشیدن چهره و غیر آن را لازم می‌دانند عیب‌جویی کرده و طعنه می‌زند و آنان را اهل خرافات می‌شمرد و با کسی که زنان نیمه‌عریان را ترویج می‌کند برابر می‌بیند، همگی را منحرف از راه می‌داند، زمانی اعلام و بزرگانی مانند علامه شیرازی اعلی الله مقامه و غیر ایشان را سرزنش کرده، می‌گوید من برای احتیاط وجهی نمی‌بینم.»^{۱۰۲} این به اصطلاح نقد متوجه مباحث «حس احتیاط» و «کتمان یا اظهار» در مسئله حجاب مطهری است.^{۱۰۳} صدر این عبارت اتهامی بیش نیست. ذیل عبارت هم مبهم است. ظاهراً مرادش از علامه شیرازی صاحب عروه باشد!

ت. «یک اشتباه بزرگ: عجیب به نظر می‌رسد از بی‌مایگی این قائل [مطهری] که اجماعی که شیخ طوسی در تبیان از قوم نقل حکایت کرده، آن را به خود شیخ و امامیه نسبت داده، واضح است که از عامه گاهی به جمهور و تاره به قوم تعبیر می‌کنند، در حالی که مقصود شیخ ... عامه می‌باشد نه امامیه. بطلان این گفتار بیش از این احتیاج به توضیح ندارد.»^{۱۰۴} مطهری در مسئله حجاب از تبیان هرگز چیزی نقل نکرده است! او در بحث نظر بر

^{۹۷} موارد معدودی که با شماره صفحه به کتاب مسئله حجاب ارجاع داده با ویرایش دوم (چاپ سوم، ۱۳۴۹) منطبق است.

^{۹۸} محمد قوام و شنوی قمی، حجاب در اسلام، ترجمه و اضافات از احمد محسنی گرکانی، قم: چاپخانه حکمت، مرداد ۱۳۵۲، ص ۱۵.

^{۹۹} حجاب در اسلام، محسنی گرکانی، ص ۱۷.

^{۱۰۰} حجاب در اسلام، محسنی گرکانی، ص ۱۹.

^{۱۰۱} حجاب در اسلام، محسنی گرکانی، ص ۳۵.

^{۱۰۲} حجاب در اسلام، محسنی گرکانی، ص ۶۹.

^{۱۰۳} مطهری، مسئله حجاب، ص ۲۲۸-۲۳۵؛ مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۵۶۴-۵۵۸.

^{۱۰۴} حجاب در اسلام، محسنی گرکانی، ص ۷۰.

وجه و کفین صرفاً یک بار شیخ طوسی بدون تعیین کتابش را از قائلین به جواز مطلقاً معرفی کرده است.^{۱۰۵} احتمالاً مرادش از جواز، کراهت نگاه است مطلقاً که شیخ در مبسوط اختیار کرده است. آیا در ویرایش سوم مسئله حجاب نقلی از تبیان بوده و در ویرایش چهارم کتاب حذف شده است؟ نمی دانم. این تنها محمل بعید صحت نقد محسنی گرکانی است.

ث. «فتوای خطرناک: گوینده این فتوا [مطهری] می گوید عدم وجوب پوشش چهره در هر حال (مطلقاً) از ضروریات دین است و با نظریه قطعی حکم داده هر که بر خلاف آن معتقد شود پیروی از هوای نفس و آراء باطله کرده و زبان این عقیده در اسلام از کسی که اصلاً معتقد به حجاب نیست بیشتر است، زیرا چیزی که جزء دین نبوده داخل دین نموده [است]. بطلان و بی اعتباری این گفتار به قدری واضح و روشن است که محتاج به دلیل نیست، و این سخن را یک عامی بی سواد نمی گوید تا چه برسد به عالم و دانشمند.»^{۱۰۶} متأسفانه مشخص نیست این جرحها متوجه کدام موضع کتاب است تا میزان اعتبار نقد بررسی شود. نقدها به قدری از متن کتاب مطهری بعید است که این احتمال مطرح می شود نکند محسنی گرکانی کتاب دیگری را نقد می کند! «عجبا به بهانه این که حجاب نیمی از افراد اجتماع را فلج کرده است، (پاورقی: مسئله حجاب، ص ۱۰۷) با بی حجابی و بی بند و باری نیروی تمام افراد زن و مرد را فلج کرده اند. کار زن به خود پرداختن و صرف وقت و کار مرد چشم چرانی و شکارچی گری شده است.»^{۱۰۷}

ج. «نظریه بر خلاف ضرورت دین: بعضی ها [مطهری] که صلاحیت و مایه علمی ندارند جلباب را بر خلاف مشهور به خمار معنی و تفسیر کرده اند. با چنین نظریه ای بی حجاب بودن زن های پیر جایز می شود. این فتوی بر خلاف دین و ضروری آن است.»^{۱۰۸} «احادیثی از رسول گرامی اسلام (ص) در گناه پذیری و کوتاه اندیشی فکری زنان به اندازه ای است که به سر حد تواتر معنوی رسیده است.»^{۱۰۹} چنین فردی با چنین بینش مترقی! رئیس دیوان عالی کشور، نماینده مجلس خبرگان و امام جمعه سه شهر بوده است.

نسبت هایی که در کتاب حاضر به مطهری داده شده دقیق نیست، ادله ای که بر علیه او اقامه شده قابل مناقشه است، و از همه بدتر لحن جزم اندیشانه، متکبرانه و بی ادبانه محسنی گرکانی است.

بحث دهم. الحجاب فی الاسلام ابوالقاسم اشتهااردی

الف. ابوالقاسم محمودی اشتهااردی (۱۳۸۰- ظ ۱۲۹۶) از شاگردان آقایان بروجردی، خمینی و خصوصاً محمدعلی اراکی (۱۳۷۳-۱۲۷۳)، و مدرس سطح فقه و اصول در حوزه علمیه قم بوده است. از جمله آثار او کتاب القضاء به

^{۱۰۵} مطهری، مسئله حجاب، ص ۲۲۸.

^{۱۰۶} حجاب در اسلام، محسنی گرکانی، ص ۸۱.

^{۱۰۷} حجاب در اسلام، محسنی گرکانی، ص ۸۵.

^{۱۰۸} حجاب در اسلام، محسنی گرکانی، ص ۹۳.

^{۱۰۹} حجاب در اسلام، محسنی گرکانی، ص ۱۲۱.

عربی است.^{۱۱۰} وی در این کتاب ولایت عامه فقیه را با نقل کلمات استادش آقای خمینی نقد کرده است.^{۱۱۱} اما مشخصات کتاب مورد بحث: ابوالقاسم اشتهااردی، الحجاب فی الإسلام، بی جا [ظ قم]، بی تا [ظ ۱۳۵۷]، بی نا، ۸۴ ص. کتاب بر خلاف عنوان عربی اش، مخلوطی از عربی و فارسی و در قالب شرح عروه نوشته شده و مستقیماً نقد ویرایش چهارم کتاب مسئله حجاب مرتضی مطهری است که در مواضعی با تصریح به اسم نویسنده و بیش از آن به اسم کتاب با قید شماره صفحه آراء وی را نقد کرده است. شیوه نقد فقهی و از موضع استعلاست. موضع نویسنده وجوب ستر وجه و کفین زن است. به نمونه‌هایی از نقد اشتهااردی اشاره می‌کنم.

ب. «علت و سبب نوشتن این رساله آن شد که در عرض این دو سال اخیر (۵۷-۵۵) مبتلا به ملاقات زندانی سیاسی شده بودم، برخورد با زنان بی حجاب با مأموران ستمکار کردم. و از طرف دیگر برخورد نمودم به کتابی به نام مسئله حجاب نگاشته بعضی از اساتید دانشگاه [مطهری] که بسیار قلم‌فرسایی و پافشاری و دست و پا زده برای اثبات عدم لزوم پوشش وجه و کفین و جواز نظر به آن‌ها، مزید بر علت شد که این اقدام بشود بلکه به خواست پروردگار تأثیری در جامعه بنماید.»^{۱۱۲} اشتهااردی توضیح نداده که برای ملاقات با کدام زندانی سیاسی به کدام زندان می‌رفته که مبتلا به برخورد با زنان بی حجاب می‌شده است.

پ. اشتهااردی گاهی این‌گونه محترمانه از مطهری یاد کرده: «فاضل دانشمند، نویسنده کتاب مسئله حجاب که بسیار پافشاری دارد بر اثبات عدم لزوم پوشیدن وجه و کفین ...»^{۱۱۳} یا «وقد أشرنا فی السابق إلی قول الفاضل المطهری فی کتاب مسئله الحجاب الحریر علی إثبات عدم وجوب سترهما علی المرأة وهو أيضاً استدلال علی الأخبار التي فی المستمسک وأضاف إلیها أدلة أخرى بخیال أنها تدل علی مراده.»^{۱۱۴} یا «باید به این فاضل محترم گفت ...»^{۱۱۵}

ت. اما در مقابل فراوان این‌گونه عنان از کف داده است: «آن مطالبی که در کتاب مسئله حجاب در ص ۷۵ [درباره زنان پیامبر] می‌گوید: ... این حرف و نظر ایشان بی‌اساس است بلکه احترام و مقام شخصیت و نبوت رسول اکرم (ص) اقتضای این ممنوعیت را دارد و شاهد بر این که بدون مطالعه و بدون تأمل نظریه می‌دهد این است که می‌گوید اولین آیه خطاب به زنان پیامبر با این جمله آغاز می‌شود و حال آن که اولین جمله این است که: يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ الْخ.»^{۱۱۶} یا «متأسفانه ایشان دقت و تأمل ننموده‌اند.»^{۱۱۷} یا «این چه ترجمه‌ای است که ایشان برای این روایت می‌کنند؟»^{۱۱۸} «این چهار پنج روایتی که ایشان دست و پا

^{۱۱۰} ابوالقاسم اشتهااردی، کتاب القضاء، قم: مطبعة الخيام، ۱۴۰۰ ق [۱۳۵۸ یا ۱۳۵۹ ش]، ص ۱۱۵.

^{۱۱۱} اشتهااردی، کتاب القضاء، ص ۳۵-۱۹.

^{۱۱۲} ابوالقاسم اشتهااردی، الحجاب فی الإسلام، بی جا [ظ قم]، بی تا [ظ ۱۳۵۷]، بی نا، ص ۴.

^{۱۱۳} اشتهااردی، الحجاب فی الإسلام، ص ۱۱.

^{۱۱۴} اشتهااردی، الحجاب فی الإسلام، ص ۲۸.

^{۱۱۵} اشتهااردی، الحجاب فی الإسلام، ص ۴۴.

^{۱۱۶} اشتهااردی، الحجاب فی الإسلام، ص ۲۰-۱۰ پاورقی.

^{۱۱۷} اشتهااردی، الحجاب فی الإسلام، ص ۳۲.

^{۱۱۸} اشتهااردی، الحجاب فی الإسلام، ص ۴۵.

زدند، و برای مدعی خود استدلال کردند ملاحظه فرمودید، هیچ کدام از آنها از حیث سند و دلالت ارزش و اعتبار نداشت که بتواند فقیه به موجب یکی از آنها فتوی دهد و به دسترس مردم قرار دهد و در روز حساب از عهده آن برآید.»^{۱۱۹} یا «بی مطالعه حرف می‌زند.»^{۱۲۰} یا «بسیار جای تعجب است چرا این فاضل دانشمند دقت و تأمل نکرده و این مطالب را نوشته است؟»^{۱۲۱} یا «فتحصل مما ذکرنا أنه لم يتأمل فی مطالبه.»^{۱۲۲} و از همه جسورانه‌تر: «در کتاب مسئله حجاب ص ۲۶۸ نوشته: اکنون باید ببینیم فتواها چیست؟ ... و بعد از مقداری قلم‌فرسایی در ص ۲۷۲ ... بسیار جای تأسف است چرا کسی که در یک رشته وارد نیست و به طور کامل تخصصی ندارد اظهار نظر می‌کند و فتوی می‌دهد آن هم در فقه اسلامی و احکام قرآن و شریعت نبوی. تمام مطالبی که بیان کرده در مورد این مسئله باطل و بر خلاف واقع است.»^{۱۲۳}

ث. به نظر اشتهااردی «این آیات شریفه به طور کامل دلالت دارد هم بر وجوب اصل حجاب و پوشش و هم بر کیفیت آن، و هیچ حکمی و یا موضوعی در قرآن کریم مثل این مسئله حجاب و پوشش توضیح و تشدید و بیان نشده است.»^{۱۲۴} از جمله اشکالات اشتهااردی این است: «به نویسنده کتاب مسئله حجاب بفرمایید چرا تحقیق و مطالعه نکرده نوشتی بر این که ظاهراً عدم لزوم پوشش وجه و کفین در میان علما اختلافی نیست، و عبارت تذکره علامه را که مربوط به باب صلاة است را شاهد گرفته فتوای خود را صادر کردی و به دسترس عموم زنان مردم قرار دادی. اگر کسی بگوید پوشیدن صورت در حال احرام جایز است نه واجب، باید گفت این آقا بدون تأمل حرف می‌زند.»^{۱۲۵}

اشکال اشتهااردی وارد نیست و این اوست که دقت کافی در عبارات مطهری نکرده است! مطهری نظر علامه را از هر دو کتاب صلاة و نکاح تذکره نقل کرده و تفاوت آنها را به دقت ابراز کرده است. عین عبارت مطهری: «عجیب این است که بعضی از بزرگان فقهاء معاصر (صاحب مستمسک) پنداشته‌اند که عقیده علامه در تذکره این است که پوشیدن چهره واجب است، و این اشتباه است. علامه در تذکره در مسأله جواز نظر با دیگران اختلاف دارد چنان که خواهیم گفت، نه در مسأله پوشش.» مطهری بعد از نقل قول کتاب نکاح تذکره نوشته است: «علامه پس از آن که ادله این عده از شافعیه را نقل می‌کند، می‌گوید: "به عقیده من نیز نظر بر وجه و کفین حرام است". مجموعاً در باب نظر بر وجه و کفین سه قول است: الف - ممنوعیت مطلقاً. علامه در تذکره و چند نفر معدود دیگر و از آن جمله صاحب جواهر این عقیده را انتخاب کرده‌اند. ب - جواز نظر یک نوبت و ممنوعیت تکرار نظر. محقق در شرایع و شهید اول در لمعه و علامه در بعضی دیگر از کتبش تابع این نظرند. ج - جواز مطلقاً.»^{۱۲۶} در مورد

^{۱۱۹} اشتهااردی، الحجاب فی الاسلام، ص ۴۷.

^{۱۲۰} اشتهااردی، الحجاب فی الاسلام، ص ۵۱.

^{۱۲۱} اشتهااردی، الحجاب فی الاسلام، ص ۵۶.

^{۱۲۲} اشتهااردی، الحجاب فی الاسلام، ص ۵۸.

^{۱۲۳} اشتهااردی، الحجاب فی الاسلام، ص ۶۲.

^{۱۲۴} اشتهااردی، الحجاب فی الاسلام، ص ۲۲.

^{۱۲۵} اشتهااردی، الحجاب فی الاسلام، ص ۶۵.

^{۱۲۶} مطهری، مسئله حجاب، ص ۲۲۷-۲۲۸.

جواز ستر وجه در زمان احرام اشکال او وارد است. این همان اشکال اِسْدال است که صدیقین در طبع دوم تفسیر آیه جلاباب (۱۳۷۵) مفصلاً مطرح کرده بود، و نقلش گذشت.

ج. در مورد نقد مطهری بر حس احتیاط فقها در ص ۲۷۸ مسئله حجاب، اشتهاوردی متذکر شده: «کتمان بعضی واقعیات بسیار جای تعجب و تأسف است از این که این فاضل محترم چه مطالبی را بیان و روی صفحات آورده و به دست مردم داده است، فکر نکرده چه ضرر و فسادهایی به پیکره احکام و قوانین شریعت مقدس اسلامی وارد نموده است. اما این که می‌گوید بعضی از علما را عقیده بر این شده که باید بعضی از واقعیات را کتمان و انکار کرد که بهانه نشود، آیا می‌شود نسبت داد به علمایی که قیاس و استحسان را حرام می‌دانند این‌ها کتمان کنند چیزی را که شارع مقدس واجب نکرده پیش خود آن را واجب کنند و بالعکس؟ ... بگویند این‌ها بعضی احکام اسلام را کتمان می‌کنند حرام را حلال و حلال را حرام می‌نمایند، جرأت زیادی می‌خواهد چنین نسبتی را به ایشان داد.»^{۱۲۷} این اشکال ناوارد را شریعتمداری هم کرده بود، که در بحث دوم گذشت.

چ. «در ص ۲۸۴ [مسئله حجاب] می‌نویسد: عقیده بعضی کارشناسان اجتماعی این است که ... در جواب ... ای آقای محترم [مطهری] و ای آقای کارشناس، علت این افراط‌ها و بی بند و باری‌ها نبود دین و غیرت و غفلت از مبدأ و معاد و علت‌العلل اوضاع فعلی که ناشی از زرق و برق و بخار و غرب‌زدگی و ارتباط با خارج از کشور و رفت و آمد با کشورهای معلوم‌الحال و اختلاط مرد و زن در ادارات و دانشگاه‌ها و مراکز اجتماع بانوان با جوانان که شما بهتر از من می‌دانید و از این قبیل چیزها سبب و علت افراط و بی بند و باری شده نه الأحوط‌ها و کتمان حقایق. اما ضرر و فساد این نسبت و گفتار و نوشتن آن و به دسترسی مردم این زمان قرار دادن آن چه عکس‌العملی دارد خدا می‌داند. زیرا این مردمی که خود به خود از علما و روحانیت می‌رمند و می‌گویند همه این مطالب را از این‌ها از خود در می‌آورند این گفتار و بیان و نوشتن چه مقدار در فکر و روحیه این قبیل اشخاص آثار سوء دارد و چه اندازه آن‌ها را از احکام واقعی اسلام دور می‌سازد، خدا می‌داند.»^{۱۲۸} این نقد ناوارد را قبلاً شریعتمداری و ضیاء‌آبادی هم کرده بودند.

از آن جا که نقد اشتهاوردی چند ماه قبل از ترور ناجوانمردانه استاد مطهری منتشرشده، بعید می‌دانم مطهری آن را دیده باشد. فارغ از زبان گزنده در برخی مواضع، کتاب حاوی برخی نقدهای فقهی است که پاسخ علمی می‌طلبد.

بحث یازدهم. حل مسئله حجاب مهدی شریعتی

مهدی شریعتی نیاسر (ظاهراً متولد ۱۳۵۱) فرزند حسن شریعتی نیاسر (متولد ۱۳۱۲) نماینده دوره چهارم مجلس خبرگان از اصفهان است. از میزان تحصیل و اساتید نویسنده چیزی نمی‌دانم.^{۱۲۹} مشخصات کتاب مورد بحث:

^{۱۲۷} اشتهاوردی، الحجاب فی الإسلام، ص ۶۶-۶۷.

^{۱۲۸} اشتهاوردی، الحجاب فی الإسلام، ص ۶۸-۶۹.

^{۱۲۹} این کتاب‌ها از وی منتشر شده است: مهدی شریعتی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه شهید محمدحسین شریعتی - قم، قم: مکتبه الشهدی الشریعتی، ۱۳۷۹، ۱۹۵ ص؛ بررسی مصادر و منابع فقه فریقین، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۰، ۳۹۰ ص؛ رسالتان فی انصاف المهر بالموت قبل الدخول، میرزا صادق تبریزی و فیض سمنانی، تحقیق و تعلیق مهدی شریعتی، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۲، ۹۶ ص؛ رساله امامت، سید محسن حسینی کوه‌کمری، مقدمه و تحقیق مهدی شریعتی، قم: کتابخانه شهید شریعتی، ۱۳۹۸، ۳۳۷ ص.

مهدی شریعتی، «یادداشت‌هایی بر مسئله حجاب استاد شهید مطهری»، قم: تا ظهور، ۱۳۹۱، ۸۸ صفحه. ویرایش دوم این کتاب: مهدی شریعتی، «حل مسئله حجاب: نقدی بر دیدگاه‌های استاد شهید مطهری در مسئله حجاب همراه با متن تلخیص‌شده کتاب»، [قم]: دار النشر، ۱۳۹۹، ۲۶۸ صفحه. ویرایش دوم تفاوت چندانی با ویرایش اول ندارد. بعد از شریعتمداری این دومین «حاشیه» انتقادی بر کتاب مسئله حجاب مطهری است. نویسنده در مقدمه رئوس دیدگاه‌های خود را به عنوان «چند نکته اصلی و محوری» برشمرده است:

«اول. نگاه به نامحرم در سوره نور: مؤلف نگاه به چهره و دست زن را جایز شمرده مگر آن که با شهوت و التذاذ همراه گردد که تردیدی در حرمت آن نمی‌باشد. و دستور آیات را نیز بر همین جهت حمل کرده که برخلاف اطلاق ظاهری آن‌ها است. نگاه اگر نگاهی تشخیص دهنده باشد و از روی اختیار انجام گیرد از دیدگاه شرع به طور کلی ممنوع است...»

دوم. حد پوشیدگی زنان و پوشش چهره و دست که در آیات سوره نور و احزاب بیان شده است. مؤلف هم‌چون بسیاری دیگر از فقیهان پوشش این دو موضع را لازم نشمرده و اظهارشان را جایز دانسته است و حتی اظهار آن‌ها را با آرایش‌هایی که معمولاً به همراه دارند بی‌اشکال شمرده است، اما آیات شریفه ضمن تأکید بر پوشیدگی زن چنین چیزی را نشان نمی‌دهند. ... به نظر ما اندام زن در حکم چهره و دست است.

سوم. پرده‌نشینی زن که مؤلف سخت آن را مورد انکار قرار داده و نگاه اسلام را از این موضوع برکنار دانسته است ... اگر به نظر انصاف در آیات و روایات نگریسته شود فضیلت پرده‌نشینی زنان به‌روشنی از آن‌ها به‌دست می‌آید و مقصود از پرده‌نشینی مستور بودن هر چه بیشتر آن‌ها از نگاه مردان و به دید مردان در نیامدن است. ... به طور کلی اسلام توجه ویژه‌ای نسبت به مستوری زن داشته است و پوشیدگی او را در ابعاد و شئون مختلف از بُعد ظاهری پیکرش گرفته تا شئون رفتاری و گفتاری و هرگونه ارتباط و برخوردی که با مردان پیدا می‌کند و تا اصل بروز و پیدایی او و موضوع پرده‌نشینی الزام یا غیرالزام مورد تأیید و سفارش قرار داده است. ... و مؤلف نیز این دیدگاه را در مورد اسلام پذیرفته است اما اصرار او بر عدم لزوم پوشش چهره و دست و نفی پرده‌نشینی و گره زدن این دو موضوع به یکدیگر و این همه را فعالیت زنان قلمداد کردن افزون بر آن چه در مورد نگاه به زنان اظهار داشته همگی در جهت تسهیل روابط مردان و زنان بوده و ناخواسته آن‌ها را به این سمت سوق داده است که به هیچ روی با روح اسلام سازگاری ندارد و خود وی نیز اعتراف دارد که هرچه ارتباط میان مردان و زنان در جامعه کمتر باشد بهتر است و با دستورات و موازین اسلامی سازگارتر است. از این رو یک نحو اضطراب و دوگانگی از این جهت در کلمات او به چشم می‌خورد. و رویکرد مخالفی که در این زمینه وجود دارد نه تنها موافق احتیاط که همسوی مذاق شرع مقدس است و به یقین در مدار خواست اسلام و احکام نورانی آن قرار دارد و از دایره آن‌ها بیرون نمی‌رود.»^{۱۳۰}

برخی مواضع سنتی غلیظ نویسنده: «بروز زن حتی با پوشش در عین این که جایز است، پسندیده نمی‌باشد، زیرا پوشش جاذبه او را به کلی از میان نمی‌برد. مگر این که یک نیاز شخصی یا ضرورت اجتماعی حضورش را ایجاب

^{۱۳۰} مهدی شریعتی، «حل مسئله حجاب: نقدی بر دیدگاه‌های استاد شهید مطهری در مسئله حجاب همراه با متن تلخیص شده کتاب»، [قم]:

کند.»^{۱۳۱} «هر نگاهی [بین زن و مرد نامحرم] به مقتضای اطلاق آیه [سوره نور] ممنوع خواهد بود.»^{۱۳۲} انکار تقسیم زینت به ظاهر و باطن و بدن زن را مطلقاً زینت باطن پنداشتن: «تقسیم زینت به نهان و آشکار جز به لحاظ اختیار فرد و إخفا و إظهار وی معنا ندارد، و لذا تفاوتی بین زینت‌های او با قطع نظر از اختیارش باقی نمی‌ماند.»^{۱۳۳} «مرز معینی میان زینت نهان و آشکار در ورای اختیار آدمی نیست. ... دلالت آیه بر جواز اظهار پاره‌ای از زینت‌ها محل اشکال است، همچنین زینت صفتی برای زن و تمامی اعضای اوست.»^{۱۳۴} «ماندن زن در خانه مطلوب می‌باشد و قصد و نیت هم در این خصوص مدخلیت ندارد و ملاک آن نسبت به همه زنان موجود بوده، همسری پیامبر جز شدت حکم اثری نمی‌تواند داشته باشد.»^{۱۳۵}

«آنچه هنگام احرام برای زن حرام شمرده شده پوشش نقاب‌گونه رو است. او نباید روی خود را با چیزی که بر آن مماس گردد بپوشاند اما آویختن جامه و مانند آن چنان‌که در روایات آمده مانعی ندارد، بلکه از آن‌ها برمی‌آید که این نحو پوشش زنان در برابر نامحرمان پسندیده یا لازم است؛ گرچه مولف از روایات آن یادی نکرده است! پس سخن در این‌جا از کیفیت خاص پوشش به مقتضای احرام است، نه از وجوب گشودن چهره آن هم در برابر مردم.»^{۱۳۶} این همان مشکل إسدال است که صدیقین و اشتهاوردی قبل از شریعتی به مطهری گرفته‌اند.

«آنچه مؤلف اظهار کرده از کتاب و سنت به دست نیامد و بر عکس از آن‌ها استفاده شد که خوداظهاری زن و نیز نگاه مرد و زن به یکدیگر مطلقاً ممنوع است، مگر آن‌چه بی‌اختیار حاصل شود؛ بلکه بر طبق نصوص وارد شده ستر و غضّ بصر بر آن‌ها واجب است.»^{۱۳۷} «تمامی اعضای زن حساسیت برانگیز و نامأمون و عورت است، چرا که جاذبه او اختصاصی به بعضی اعضایش ندارد تا آن‌جا که گاهی صدای او هم عورت شمرده شده است. ... گویا اختصاص موضوعی یعنی بیرون دانستن چهره و دست از عورت از کلمات سنیان نشئت گرفته است.»^{۱۳۸} این نقد ناوارد از ابتکارات این منتقد محترم است. «مطلوبیت پوشش کامل زن و خودداری افراد از هر نگاهی نزد شارع کاملاً محرز است با این وصف چگونه می‌توان موضوع کتمان حقیقت را در این‌جا مطرح نمود؟»^{۱۳۹} اشکال اخیر را قبلاً شریعتمداری و اشتهاوردی کرده بودند. در مجموع مواضع بسیار محافظه‌کارانه شریعتی به مواضع محسنی گرکانی بسیار نزدیک است. البته لحن او مؤدبانه و محترمانه است.

^{۱۳۱} شریعتی، حل مسئله حجاب، ص ۷۴.

^{۱۳۲} شریعتی، حل مسئله حجاب، ص ۱۰۳.

^{۱۳۳} شریعتی، حل مسئله حجاب، ص ۱۰۶.

^{۱۳۴} شریعتی، حل مسئله حجاب، ص ۱۱۰.

^{۱۳۵} شریعتی، حل مسئله حجاب، ص ۱۴۱.

^{۱۳۶} شریعتی، حل مسئله حجاب، ص ۱۸۸.

^{۱۳۷} شریعتی، حل مسئله حجاب، ص ۲۳۶.

^{۱۳۸} شریعتی، حل مسئله حجاب، ص ۲۴۱.

^{۱۳۹} شریعتی، حل مسئله حجاب، ص ۲۵۳.

خاتمه: دسته‌بندی نقدها و معرفی نقدهای وارد



در خاتمه این بخش، کلیه نقدهای منتشرشده بر کتاب مسئله حجاب^{۱۴۰} اولاً در چهار قسم دسته‌بندی، و ثانیاً نقدهای وارد معرفی می‌شود.

الف. دسته‌بندی نقدها

اگر به شیوه خود مطهری^{۱۴۱} نقدها را به سه قسم فقهی، مصلحت‌اندیشانه و تخریبی (انگیزه‌خوانی، جرح) تقسیم کنیم و قسم چهارمی هم با عنوان نقدهای ضداخلاقی (متکبرانه، از موضع استعلا و مناقشه در صلاحیت علمی مؤلف) بیفزائیم، این نتیجه به‌دست می‌آید:

نقدهای محمدتقی شریعتمداری شامل سه قسم فقهی، مصلحت‌اندیشانه و تخریبی بود. همه نقدهای فقهی‌اش قابل جواب بود.

ویرایش اول تفسیر آیه جلاباب محمدتقی صدیقین اصفهانی تماماً نقد فقهی قابل جواب است. اسم مطهری را به کار نبرده، اما حداقل دو بار از کتاب مسئله حجاب محترمانه یاد کرده است. ویرایش دوم تفسیر آیه جلاباب صدیقین صریحاً نقد کتاب مسئله حجاب مطهری است. کلیه نقدها فقهی است و نقدهای وارد و نقدهای قابل پاسخ را شامل می‌شود. نقدهای وارد وی دو مورد است: یکی جواز اِسْدال یا پوشاندن صورت زن در اِحرام حج و تفاوت آن با حرمت نقاب زدن که مطهری کلاً از آن غفلت کرده است. دیگر این که مطهری با مطالعه کتاب او آیه جلاباب را به

^{۱۴۰} آقا سید موسی شبیری زنجانی در کتاب جرعه‌ای از دریا (ج ۲، ص ۶۵۷-۶۵۵) دو اشکال به کتاب مسئله حجاب و یک اشکال به استاد مطهری کرده است. از آن جا که هر سه اشکال برگرفته از درس خارج نکاح ایشان است، نقل و بررسی نقدهای ایشان بر مسئله حجاب به تفصیل در بخش پنجم این تحقیق خواهد آمد، إن شاء الله.

^{۱۴۱} مطهری، پاسخ‌های استاد به نقدهایی بر کتاب مسئله حجاب، ص ۸۳؛ مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۶۲۴.

ادله مخالفین کشف وجه زن به کتابش افزوده است، بدون این که ذکر از صدیقین و کتابش کرده باشد. دیگر نقدهای وی مبنایی و قابل پاسخ است. او خود به احتیاط واجب قائل به لزوم پوشاندن وجه و کفین است. صدیقین در کتاب دین و زن - که کتابی به‌غایت مرتجعانه است - برخورداردی غیرمحترمانه با مطهری و کتابش دارد و آقای خمینی را به خاطر این که کتاب‌های مطهری را بی‌استثنا خوب و آموزنده خوانده، به شدت شماتت کرده است. سید محمد ضیاء‌آبادی در کتاب قساوتش که ثلث آخر آن درباره حجاب است از مطهری و کتابش نامی نبرده است. نقدهای وی شامل دو قسم نقد مصلحت‌اندیشانه و نقد تخریبی است.

احمد محسنی گرکانی در اضافاتش بر ترجمه کتاب حجاب در اسلام و شنوی قمی از مطهری اسم نبرده، اما چندین بار به کتاب مسئله حجاب ارجاع داده و مدافع کشف وجه و کفین را بی‌ادبانه نواخته است. نقدهایش بر دو قسم فقهی قابل جواب یا غیرمرتبط به کتاب مطهری، و ضداخلاقی قابل تقسیم است.

ابوالقاسم اشتهاوردی در الحجاب فی الإسلام منتقد صریح مطهری و کتاب اوست. نقد او گاه محترمانه و غالباً از موضع استعلاست. اشکالات او بر چهار قسم است: فقهی وارد، فقهی قابل جواب، مصلحت‌اندیشانه و ضداخلاقی. تنها اشکال وارد وی همان بحث اِسَدال در حج است.

مهدی شریعتی نیاسر در حل مسئله حجاب با لحنی محترمانه سه‌گونه اشکال کرده است: فقهی وارد، فقهی قابل جواب، و مصلحت‌اندیشانه. تنها اشکال وارد وی تکرار بحث اِسَدال در حج دیگر منتقدان است.

ب. معرفی نقدهای وارد

کلیه نقدهای فقهی این کتاب‌ها بر کتاب مسئله حجاب مبنائی و قابل جواب است. جواب به اهمّ این نقدها در همین بخش آمد. تنها نقد وارد که سه نفر از منتقدین (صدیقین، اشتهاوردی و شریعتی) مطرح کرده‌اند به این ادعای مطهری است: «بسیار مستبعد است که بگوئیم گشودن چهره در غیر حال اِحرام از محرّمات محسوب می‌شود و در حال اِحرام واجب است.»^{۱۴۲} به نظر منتقدان از روایات حرمت نقاب زدن استفاده می‌شود و اما اِسَدال اگر واجب نباشد، حرام نیست. نقاب به صورت زن می‌چسبد، اما در اِسَدال ساتر مثل پرده کوچکی جلوی صورت آویزان است، بدون این که به صورت بچسبد. اشکال آن‌ها غفلت مطهری از روایات اِسَدال در بحث اِحرام حج است. این اشکال از سوی مطهری جواب می‌طلبد.

ضمناً نقد محمدتقی صدیقین اصفهانی در ویرایش دوم تفسیر آیه جَلْبَاب که مطهری با دیدن ویرایش اول کتاب او بحث آیه جَلْبَاب را در انتهای ادله مخالفین کشف وجه زن اضافه کرده، بدون این که به نقد او اشاره کند، نیز نقد واردی است. برای رفع این اشکال دست‌یابی به ویرایش سوم کتاب مسئله حجاب (چاپ‌های ۱۳۵۰ تا فروردین ۱۳۵۳) می‌تواند راه‌گشا باشد.

البته کتاب مسئله حجاب نقدهای وارد دیگری هم دارد، که در بخش پنجم مطرح خواهد شد. گفتنی است که اکثر قریب به اتفاق نقدهای اصلی وارد به کتاب مسئله حجاب مطهری در نقدهای این شش نفر مشاهده نمی‌شود.

^{۱۴۲} مطهری، مسئله حجاب، ص ۱۸۵؛ مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۵۲۲.

۱ شهریور ۱۴۰۲

قسمت بعدی «ولایتی‌ها در مقابل «مسئله حجاب»» به زودی



kadivar.com

<https://kadivar.com/20934/>
kadivar.mohsen59@gmail.com

تمام حقوق محفوظ است.

نقل مطلب به هر صورت تنها با ذکر منبع مجاز است.